

ندارم! چون حضرت چهره او را دید، دریای رحمت او به موج آمد و گند دعوت در انداخت، مرد گفتم به لات و عزری سوگند که ایمان نیارم تا این تیغ بتو ایمان آرد! و آنرا پیش پیغمبر نهاد و نگاه کرد دید تیغ می جنبد و به زبانی فصیح شهادت را ادا میکند! همان دم حال بروی بگشت و ایمان آورد و اسیر کند توفیق گشت و کلمه شهادت بگفت، آن گاه به مصطفی گفتم: چون در آمدم بر روی زمین از تو دشمن تر نداشتم، اکنون که میروم بر روی زمین کسی را از تو دوست تر ندارم!

### تفسیر لفظی

#### جزو دهم:

۴۱- وَعَلَّمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفْتِي النَّجْمَعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. بدانید که هر چه از دشمن در جنگ به چنگ آید پنج یک آن برای خدا و رسول و خویشان رسول و پدر مردگان و درویشان و راه گداریان (از مسلمانان) است، اگر به خداوند و روز رستاخیز ایمان دارید (این است حکم خدا) و بدانچه فرو فرستادیم بر بنده خویش روز (بدر) که جدائی پیدا شد میان حق و باطل آن روز که دو گروه روبروی هم آوردند. و خداوند بر همه چیز توانا است.

۴۲- إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيْعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِنَا وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَلْسَمِيعِ عَلِيمٌ. هنگامیکه شما در گوشه نزدیک تر از وادی بودید و کافران در گوشه دورتر وادی بودند و قافله بوسفیان فروتر از شما بود و اگر شما با آنها قرارداد کرده و موعد معین کرده بودید، بواسطه کمی عده شما ناچار از وعده تخلف می کردید! ولیکن خدا خواست تا کاری که اراده او بود کرده شود تا هر کس که از کاری روشن گمراه مانده هلاک گردد و هر کس پیغام شنیده و حجت دریافته زنده ماند که خداوند شنوا و دانا است.

۴۳- إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَتَابِعِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِن لَّيَسَّرَ اللَّهُ لِلَّذِينَ سَلِمُوا أَنَّهُ عَلَيْهِمْ يُدَاتِ الصُّدُورِ. هنگامیکه خداوند در خواب به تو ایشانرا اندک می نمود و اگر ایشانرا به شما بسیار نشان می داد شما بددل می شدید و اختلاف کلمه و شکست در میان شما روی می داد و لکن خداوند خواست که مؤمنان سالم در روند چه او به هر چه در دلتان است دانا است.

۴۴- وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي آعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي آعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ. هنگامیکه ایشانرا به نظر شما وقت ملاقات اندک نمایاند و شما را هم در چشم آنان اندک جلوه داد، تا آنچه خواست او است انجام گیرد و بازگشت همه کارها بسوی خدا است.

۴۵- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقَيْتُمْ فِتْنَةً فَبَاتِمُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. ای مؤمنان، هنگامیکه هم دیدار بالشکر می شوید بر جای استوار باشید و خداوند را بسیار یاد کنید تا مگر رستگار و پیروز گردید.

۴۶- وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. خدا و رسول او را فرمان برید و با یکدیگر در کارها و در سخن نازاست نباشید و نزاع نکنید که چون بددل شوید دولت شما و سنگ شما در چشم دشمن نشود و شکیبائی کنید که خداوند یار شکیبایان است.

۴۷- وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ يُعَذِّبُهُمْ مُعَذِّبًا مُحِيطًا. ومانند کسانی نباشید که با طغیان نعمت و ریاکاری در نظر مردمان از مکه بیرون آمدند و مؤمنان را از دین خدا برمی گردانند و خداوند به آنچه می کنند دانا است.

۴۸- وَإِذْ زَيْنَ لَهْمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَ آيَاتَ الْفِتْنَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بِرِئِئِكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ. و هنگامیکه شیطان کارهای ایشانرا بر آنان برآراست و گفت: مترسید امروز کسی بر شما پیروز نخواهد شد او من شمارا ازینهار دارم، پس همینکه دوسپاه رو برو شدند بازگشت و گفت: من از شما (وزینهار شما) بیزارم من آن می بینم که شما نمی بینید او من از خدای می ترسم که خداوند سخت عقوبت است.

۴۹- إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. هنگامیکه منافقان (در مدینه) و کسانی که در دلشان بیماری شک بود می گفتند محمد و یاران او را دین او بفریفت و مغرور کرد. و هر کس بخدا توکل کند خداوند توانا و دانا است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۴۱- وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ آیه. غنیمت، مال کافران است که در جهاد و جنگ نصیب مسلمانان شود و جهاد دو قسم است: یکی جهاد ظاهر با کافر به تیغ و شمشیر، دیگری جهاد باطن است با نفس به قهر و کوشش، مجاهدان به شمشیر سه مردند: کوشنده، ماجور، خسته مغرور، و کشته شهید. هم چنین مجاهدان با نفس هم سه مردند: یکی می کوشد، وی از آوار است، یکی می تازد وی از آواتاد است، یکی باز رسته، وی از آبدال است.

کسی که در جهاد با کفر است به مال توانگر شود، کسی که در جهاد با نفس است به دل توانگر شود، توانگر به مال یا از مال حلال است و محنت، یا از مال حرام است و لعنت! توانگر به دل همتی دارد بالاتر از دنیا و مرادی دارد بالاتر از عقبی. و مصطفی جهاد نفس را بزرگتر از جهاد با کفر گفت! و بعد از جنگ پدر فرمود: ما از جنگ کوچکتر به جنگ بزرگتر باید برویم، و آن جنگ با نفس است، زیرا در جنگ با دشمن ظاهری می توان از او حذر کرد و دور شد ولی در جنگ با نفس که دشمن باطن است حذر کردن نتوان! با هر دشمنی اگر بسازی از شر او ایمن خواهی شد ولیکن اگر با نفس بسازی هلاک خواهی شد!

مصطفی فرمود: خداوند به دل شما بنگرد نه به نفس شما، که نگرستن نشانه دوست داشتن است و نانگريستن علامت دشمن داشتن! پس نفس که دشمن تو است نباید به وی نظر کردن! بلکه باید در معرکه مجاهدت با شمشیر ریاضت او را مغلوب کرد و چشم او را به ناولک تفرید و تفرید بردوخت.

یکی از عارفان معروف گوید: روزگاری در قهر نفس خویش به سر آوردم، تا او را از مراد و کام خویش باز داشتم، روزی بامن درآویخت و گفت: جنگ کردن شرط دین است و عماد مسلمانان و نشان طاعت داری او من از نشاط نفس در جنگ عجب داشتم که از نفس نشاط طاعت نیاید او به خیر و صلاح کمتر گزاید! گفتم ناچار در زیر این نشاط جنگ مکرری است، پیوسته او را فرمان روزه میدهم چون طاعت گرسنگی ندارد خواهد که آغاز سفر کند و در سفر روزه را گشاید! پس رخصت سفر کند! پیش خود گفتم برای جلوگیری از این حيله نذر کردم که تا در سفر باشم روزه نگشایم! بلکه بیفزایم. نفس پذیرفت و گفت: روزه نگشایم! گفتم طاعت شب بعبادت گذرانیدن ندارد، از این رو به سفر و روزه تن داد!

گفتم در سفر هم از شام تا بام نفس را برپا دارم، گفت: روا دارم و از آن تنالم اندیشه کردم که شاید با مردی نیامیزد و وحشت خلوت او را بر این داشته اوی خواهد در مسافرت با مردم صحبت و معاشرت کند ا همت کردم که در سفر جز در جاهای خراب و ویرانه فرو نیایم و از خلق گوشه بگیرم، آن نیز پذیرفت پس از آن از روی عجز به درگاه باری تعالی زاری کردم مگر به فضل خود مرا مدد کند و به لطف خود مرا از جنگ حبله نفس رهائی بخشد و شاد گرداند. آخر امر دریافتم که نفس می گوید: هر روز مرا با شمشیر مجاهدت هزاران ضربت زنی و هزار بار بیکشوی و خلق را از آن آگاهی نه اباری به جنگ با کفار روم تا کشته شوم و همه جهانیان گویند: فلانی در جنگ شهید شد! - پیش خود گفتم نفس، شکفت دشمن سر سختی است که نه در دنیا موافقت کند و نه در عقبی سعادت خواهد! کند ریا را خواست بر من گشاید و در زمره هالکانم آرد الیکن خداوند مرا از مکر وی آگاه کرد و در کرم لطف خود مرا بجای داد امنم بر آورد و آذکار بیفزودم و از مکر او در سایه لطف خدای، ایمن شدم.

پیر طریقت گفت: خدایا، از بیم تو توانم بود که به جان رسیدم، هیچ ندانم که با چنین نفس با چنین کار چون افتادم؟ هیچ عبرت نگرفتم و خلقی به عبرت خود ندیدم، هر چند کوشیدم که یک نفس خود را شایسته تو بینم ندیدم! دانی که نه بی تو خود را این روز گزیدم. خداوند! مران کسی را که خود خواندی، ظاهر ممکن جرمی را که خود پوشیدی، کریم! میان ما و تو داور تویی، آن کن که سزاوار آتی نه آن چنان که سزای ما است!

... فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ آیه. همان گونه که از مال غنیمت سهم خدا و رسول را بیرون کنند، هم چنین در معاملات حقیقت که دل را غنیمت است، خدای را در آن سهمی است که بنده در آن آزاد بود و به حق باشد، از خود بی زار و از عالم آزاد!

پیر طریقت گفت: بنده را وقتی بیاید که از تن زبان ماند و بس، و از دل نشان ماند و بس، و از جان عیان ماند و بس! دل برود، نموده ماند و بس! جان برود، ر بوده ماند و بس!

بمعجب بادی است در هنگام مستی باد فقر	کز میان خشک رودی ماهیان تر گرفت
ابتدا غواص ترک جان و فرزندان بگفت	بس به در باد رفرو شد تا چنین گوهر گرفت
سالمها چون طوافی کرد در کمر سار و دشت	تا شبی معشوقه را در خانه ما در گرفت

داستان جنگ بدر:

۴۲- اِذْ اٰتٰنْتُمْ بِالْعُدُوَّةِ الدُّنْيَا آیه. داستان جنگ بدر است و وصف حال جوان مردان که در معرکه ابطال و در صف قتال جنگ کردند و به عهد و وفای حق ایستادند، تا از بارگاه اخذیت به صفت مردانگی موصوف گشتند و در اعلاء کلمه حق و نشر بساط اسلام تن را سبیل و جان بدل و دل را فدا کردند.

شراب از خون و جام از کاسه سر	بجای بانگ رود آواز اسپان
بجای دسته شمل قبضه تیغ	بجای قیرط، بر تن درع و خفتان

... وَاللّٰكِن لِيَقْضِيَ اللّٰهُ اَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا آیه. خداوند فرمود: این کاری است که من درازل خواستم، قضائی است که من کردم، حکمی است که من راندم، فرشتگان را می فرستادم که سبب آرام دلها و بشارت مؤمنان باشند، اما نصرت و پیروزی دادن کار الهی است ما و از خصائص ربوبیت ما است، هم چنین رسولان را از بهر دعوت فرستادم و هدایت به عنایت ما ایت! کسب را بنده تقدیر کردم و سبب ساختم اما روزی دادن و رسانیدن بر ما

است اجفت دادن و تخم ریختن سبب کردم لکن وجود فرزند به قدرت ما است ا

۴۶- وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا عِوَا . آیه . از روی اشارت، مسلمانان را به موافقت می فرماید، که موافقت اصل دین است و مخالفت مایه ضلالت، چنانکه در دین و عقیدت موافقت واجب است، در رأی و عزیمت هم واجب است، از اینجا است که خداوند، طاعت خدا و رسول و صاحبان امر را همه در هم بست و خروج و مخالفت را حرام کرد، و مصطفی فرمود: شما را به پنج چیز امر می کنم: جماعت، شنوائی، اطاعت، هجرت، جهاد. هر کس از جماعت باندازه یکک و جب بیرون شود طوق اسلام را از گردن انداخته تا برگردد! و هر کس مرا اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر کس مرا نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده، و هر کس صاحب امر را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر کس او را فرمان نبرد مرا فرمان نبرده همانا امام و پیشوا سپر است که در پناه او جهاد می توان کرد و پرهیزکار شد و اگر پیشوای شما مردی حقیر باشد که شما را به کتاب خداوند رهبری و پیشوائی کند، سخن او را گوش کنید و اطاعت نمایید.

... وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ . آیه . ثبات و استقامت و حسن تفویض سبب کفایت در امور می شود. یکی از پیشوایان گوید: هرگاه که من وقعه (بدر) خواندی، گفتمی: خوشا به حال سپاهی که فرمانده آنان رسول خدا و خبرگزار آنها جبرئیل امین و جنگاوران آنها حمزه و علی (ع) شیر خدا است و مدد کار آنان فرشتگان خدا و مقصود آنها دین خدا و حاصل ایشان رضای خدا است.



### تفسیر لفظی

۵۰- وَلَوْ تَرَىٰ اِذِ يَتَوَقَّى الدِّينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَضْرِبُونَ وُجُوهُهُمْ وَاذْبَارَهُمْ وَذُقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ . اگر به بینی آنگاه که فرشتگان، کافران را می میرانند و ایشان را بر روی ها و پشتها می زدند، (وی گفتند) عذاب سوزناک را بچشید.

۵۱- ذَالِكُمْ بِمَا قَدَّمْت اَيْدِيكُمْ وَاِنَّ اللَّهَ لَيَنصُرُ بِظُلَامٍ لِلْعَبِيدِ . این (عذاب سوزناک) به آن سبب است که دستهای شما از پیش کارهای بد انجام داده و خداوند هرگز نسبت به بندگان ستمکار نیست.

۵۲- كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَاَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ اِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ . مانند رویه و عاقبت آل فرعون (در بدیها که کردند) و کسانی پیش از آنها که به سخنان خداوند کافر شدند، تا خداوند آنانرا به گناهانشان فرا گرفت که خداوند سخت گیر (برای دشمنان) و سخت سرانجام است!

۵۳- ذَالِكُمْ بِاَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوا مَا بِاَنْفُسِهِمْ وَاِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . این (عذاب) بدان سبب است که خداوند نعمتی را که به قومی و ملتی داده بر نمی گرداند و تغییر نمی دهد مگر آنکه خود ایشان آنرا تغییر دهند و آنرا به خویشان خویش بگردانند، که خداوند شنوا و دانا است.

۵۴- كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَاَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَاَغْرَقْنَاهُمْ فِرْعَوْنَ وَكُلَّ كَانُوا ظَالِمِينَ . هم چنان که سرانجام آل فرعون و رفتار روزگار آنها رفت و کسانی که پیش از ایشان بودند، که پیغامها و نشانههای خداوند خویش را دروغ دانستند، پس ما آنانرا به گناهشان هلاک کردیم و کسان فرعون را غرق کردیم که همه آنها از ستم کارانند.

۵۵- اِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِي كَفَرَ وَفَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ . بدترین جنبنندگان نزد خداوند آنانند که به خدای بگانه کافر شدند و آنها ایمان نخواهند آورد.

۵۶- الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّقِينَ هُمْ يَلْمِزُونَ أَوْلِيَهُمْ فَمَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُكُمْ وَلَا يَنْصُرُهُمْ كَقَدَرِهِمْ كَسَابُكُمْ كَمَا كُنْتُمْ يَلْمِزُونَ  
 پیمان بستنی (ای محمد) آنگاه در هر بار پیمان خود را می شکندند و از غدر و نقض عهد برهیزند دارند.

۵۷- فَمَا مَثَلُ ثَلَاثَةٍ مِّنْهُمْ فِي نَجْوَىٰ لِّمَنْ هُمْ ظَاهِرُونَ فَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا سِوَاكَ اللَّهِ اتِّعَاقًا  
 جنگ (به آنها که پیمان شکستند) دست یافتی بر آنها سخت گیر و عقوبت کن تا شاید دیگران و پس آیند گان آنان حذر کنند و متدکّر شوند.

۵۸- وَإِن تَخَافُ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٍ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنْ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ  
 اگر از قومی بترسی که خیانت کنند پس آگاهی افکن بر آنها تا در آگاهی (از پیمان شکستن) با شما یکسان باشند، که خداوند پیمان شکنان را دوست ندارد.

۵۹- وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَا يُعْزِزُونَ . وَبِمَا كَانُوا كَافِرِينَ  
 (و در جنگ بدر به مکه گریختند) که خدای را عاجز نتوانند و نیارند و از او پیش نشوند.

۶۰- وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ . آمَدَةٌ سَازِيدٌ هِرْقَدِرٌ بِنُوَيْدٍ (از تیرانداختن) و از اسپان ساخته و بر آخور بسته ، تادشمن خدا و دشمن خود را و کسانی که فرود از ایشانند بترسانید، که شما آنها را ندانید و خدا ایشانرا داند.

... وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُغْلَبُونَ . وَهَرَجَهُ دَرَاهِمَ خَدَا  
 خرج کنید پاداش آن بشما داده خواهد شد و از شما چیزی کاسته نشود و ستم نخواهد دید.

۶۱- وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاِجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ .  
 گزاشیدند ، توهم به آشتی گزای و به خدا توکل و پشت باز کن که خداوند شنوا و دانا است .

۶۲- وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخُدَّعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَبِالْمُؤْمِنِينَ .  
 اگر بخواهند تو را فریب دهند، خداوند تو را بسنده است و او است که تو را با یاری خود نیرو داد و به مؤمنان هم نیرو داد و دلهای آنانرا بهم نزدیک کرد.

۶۳- وَاللَّفْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ .  
 خداوند دلهای آنانرا به هم نزدیک ساخت که اگر هر چه در زمین است خرج می کردی، دلهای آنانرا به یک دگر نزدیک نمی کردی، لیکن خداوند میان آنها الفت داد و بهم نزدیک کرد که او توانا و دانا است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۵۰- وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا آيَةً . مَرَكٌ چهلارگونه است ؛ مَرَكٌ اهانت و لعنت ، مَرَكٌ حسرت و مصیبت ، مَرَكٌ تَخَفُّهُ و کبرامت ، مَرَكٌ خلقت و مشاهدت ، مَرَكٌ لعنت مَرَكٌ کافران است ، مَرَكٌ حسرت مَرَكٌ عاصیان است ، مَرَكٌ کرامت مَرَكٌ مؤمنان است ، مَرَكٌ مشاهدت مَرَكٌ پیغمبران است .

مَرَكٌ اهانت ، کافران را است که فرمود : ای محمد اگر مَرَكٌ کافران را به بینی و آن زخم فرشتگان عذاب که از هیبت و نهیب آن کافر میان دود و آتش و بوی ناخوش گرفتار آمده که اگر بنالد بر خود درد افزایش و اگر بزند نداء (لای بشرای) شنودا در آن حال بینی که گرد بی نوائی بر روهاشان نشسته و آتش در جانشان افتاده ، زهرا ا .

مرگ حسرت، مرگ گناه کارانی است که روزگار را به غفلت به سر آورده و در طاعات و عبادات تقصیر کرده، ناگاه در چنگ ملک موت افتاده و گرفتار سسکرات مرگ شده از یک سو فرشته رحمت ببند، شرمش آید که کار نیک نکرده، و از سوی دیگر فرشته عذاب ببند، بترسد از اینکه بدیها و زشتیها کرده، بیچاره این بنده عاصی در میان مانده و چشم بر عیب نهاده تا خورد چه آید! کرامت آید از غیب یا اهانت؟ فضل ببند یا عدل؟

مرگ تحفه و کرامت، مرگ مؤمنان و نیک مردان است که فرشتگان رحمت به صدهزار لطف و کرامت و رفق و راحت و بشری و بشارت ایشانرا قبض روح کنند و به الطاف کرم و نوازش بی نهایت پروردگار بشارت می دهند که مصطفی فرمود: عطای مؤمن مرگ است، زیرا حجاب مؤمن از نفس او است و مرگ برداشتن آن حجاب است، و عارفانرا هیچ عطائی و تحفه ای بدان نرسند که راه دوست برایشان گشوده گردد و حجابها برداشته شود.

از این مرگ صورت نگر تا نترسی      از این زندگی ترس نکانون در آنی  
از این زندگی زندگانی نخیزد      که مرگ است و ناید ز گمرگان شبانی

چه قدر تفاوت است میان گروهی مردگان که دلها به یادشان زنده میشود! و میان گروهی زندگان که دلها از دیدن آنان سیاه می گردد!

لطیفه: درویشی خداشناس این آیه را از کسی شنید: *ان زلزلة الساعة شیء عظیم*. در حال وقتش خوش گشت، حالت سماعش افتاد، نعره ای زد و گفت: آه، کی باشد که این روز آید! و این درویش از بند در آید. او را گفتند: تو را چه روی نمود از این آیت؟ گفت دنیا حجاب است و قیامت وقت مشاهدت، و دوستانرا حجاب بلا است؟ و مشاهدت عطا، کی باشد که این حجاب باز همیم و به دولت مواصلت برسیم!

کی باشد که این قفس بپردازم      در باغ الاهی آشیان سازم

مرگ مشاهدت، مرگ پیمبران است که اغزاز و اکرام پیمبران و نوازش ایشان به نداء لطف بی واسطه از حضرت عزت روان، گوید: ای نفس مطمئن و آرمیده، بسوی خدای خویش خشنود و خوش حال بشتاب.

روزی حضرت مصطفی جمعی از مهاجر و انصار را دید گردم آمده اند، آنانرا مرحباً مرحباً فرمود و چشمش پر آب شد، آنگاه وصیتهها کرد و پندها داد، یاران گفتند: ای رسول خدا مگر روزگار عبرت به سر آمده و وقت رفتن در آمده؟ فرمود: آری مرغ جان سیر آن دارد که باز پرد و به آشیان عزت رود، مرغی که هرگاه از قفس بشری برفق غیب پرواز کند، فرشتگان عالم قدس، دستها به دیده خود باز نهند و رنه برق این جمال، دیده های ایشانرا بسوزد!

نوشته اند: چون وقت مرگ موسی در رسید، برقی در هوا از هیبت عشق او بتافت که به چشم عزرائیل برخورد و آسیب دید! نداد رسید: ای عزرائیل چون نزد دوستان ما روی، نگر تا به ادب باشی و بی دستوری فرا نزد ایشان تروی زبان حال مشتاق که از غیرت دوستی و کمال سوزد، در مهر ازلی همی گوید:

یارب ارفانی کنی ما را به نیغ دوستی      پس فرشته مرگ را با ما نباشد هیچ کار!  
هر که از جام نوروزی شربت عشق تو خورده!      چون نمایند آن شراب، اوداند آن رنج خماز

۵۲- *كذآب آل فرعون والنذین من قبلهم آیه*. در این آیت، تهدید و وعید مشرکان قریش است و کافران عرب می گوید: چشم عبرت باز کنید و در عادت و سیرت رفتگان و گذشتگان بنگرید و سرانجام جهان داران و گردن کشان نگرید که چه کردند؟ و ما با ایشان چه کردیم؟ و بر سر ایشان چه راندیم؟ این کافران عرب و مشرکان قریش

اگر آنها همان کلمه که ایشان (آل فرعون) کردند، از سیاست شهر ما همان بپسند که آنان دیدند!

۵۳- ذَالِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَتَىٰ سُنَّتِ وَأَمَّا مَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ بِرَبِّكُمْ نِعْمَةً  
بریزیم و معیشت فراخ در پیش نهیم، پس اگر شکر آن نگزارند و حق آن بر خود نشناسند، نعمت از ایشان بگردانیم و به  
نقمت بدل کنیم!

۶۰- وَاعْبُدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ. آیه. به زبان تفسیر، قوه تیراندازی مجاهدان است بر روی  
دشمن، لکن از روی اشارت، تیرهای سحرگامی است در عالم غیب به صفت خشوع و خضوع، که این قوه نیروی دل است  
و اعتماد به نصرت الاهی و تأیید غیبی، که هُوَ الَّذِي آتَىٰكَ بِنَصْرِهِ.

۶۳-... وَاللَّيْنِ اللَّهُ الْآلِفُ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. آیه. خداوند دلهای رسولان را به رسالت الفت داد و دلهای  
پیامبران را به نبوت آرامش داد و دلهای صدمه یقان را به صدق و راستی نوازش کرد و دلهای شهیدان را به مشاهدت و دلهای  
صالحان را به خدمت و دلهای همه مؤمنان را به هدایت الفت داد! پس مرسولان را رحمت برای پیامبران، و پیامبران را رحمت  
برای صدمه یقان و صدمه یقان را رحمت برای شهیدان و شهیدان را رحمت برای صالحان و صالحان را رحمت برای همه مؤمنان  
و اینان را رحمت برای کافران قرار داد!

### تفسیر لفظی

۶۴- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. ای پیغمبر، تو را خداوند و پیروان  
با ایمان بسنده است:

۶۵- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا  
مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. ای پیغمبر  
مؤمنان را به قتال با دشمنان برانگیز، اگر از شما بیست تن شکیبایان باشند بر دویست تن پیروز شوند، و اگر از شما صد تن  
باشند هزار تن از کافران را باز شکنند، این به آن علت است که آنان گروهی نافهم و نادان هستند و حق را از باطل باز نشناسند.  
۶۶- أَلَا أَنْ خَلَّفَ اللَّهُ عَثَمَكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا  
مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ يَا ذَا لِلَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. اکنون (که سبک باری  
می جوئید) خداوند بار شما را سبک گردانید (بدین گونه) اگر از شما صد تن در برابر دشمن شکیبایان باشد دویست تن را باز شکنند  
و اگر از شما هزار تن شکیبایان باشد دویست تن را بیاد خدا و به دستور او شکست دهد، و خداوند یار شکیبایان است.

۶۷- مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ أَنْ يَتَّكِنَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُشْرِكِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا  
وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. پیغمبر را هرگز اسیر به دست نیامد تا آنکه خونابه دشمن بر زمین افکند، شما  
مردم متاع دنیا را (به گرفتن فدیه از اسیران) می خواهید! و خداوند برای شما آخرت می پسندد! و خداوند توانا و دانا است.

۶۸- لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا آخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. اگر حکم خدا از پیش نبود  
(که غازیان را در گرفتن فدیه عذاب نکند) شما از آنچه فدا از اسیران گرفتید عذابی بزرگ میرسید و شما را در بر می گرفت!

۶۹- فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَكُورٌ رَحِيمٌ. اکنون بخورید از آنچه غنیمت  
(از دشمنان خدا) ستید و از خشم و عذاب خدای بترسید و (می دانید) خدا آمرزگار و مهربان است.

۷۰- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي آيَاتِكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا

يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. ای پیغمبر، به اسیرانی که در دست شما هستند بگو اگر خداوند از دلهای شما ایمان و راستی داند، شمارا بهتر از آن دهد که از شما ستده، و بیمارزد شمارا و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۷۱- وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. اگر بخواهند بانو کز روند و خیانت کنند، آنها از پیش به خدا خیانت کردند و کز رفتند، پس خداوند آنها در دست توداد و تورا برایشان پیروزی داد و خداوند دانای راست دان است.

۷۲- إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ. آنان که بگرویدند و هجرت کردند (از جای خویش و کسان خویش بپدیدند) و با تن و مال خویش در راه خدا کوشیدند و کسانیکه رسول خدا و مؤمنان را اجای و خان و مان دادند و یاری کردند، آنانند که یکدگر را دوست و اولیاء هستند. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا أَمْوَالِهِمْ مِنْ قَوْلٍ آتَيْتَهُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. و کسانیکه ایمان آوردند و مهاجرت نکردند (و از خان و مان نپدیدند و بر رسول نیامدند، شمارا از دوستی ایشان هیچ چیز نیست تا اینکه به خانه هجرت آیند، و اگر آنان از شما برای کوبیدن مشرکان یاری خواهند، بر شماست که ایشانرا یاری دهید، مگر آنکه میان شما و آن گروه پیمان باشد که در آن مورد غدر نکنید، و خداوند به آنچه شما بکنید بینا و دانا است.

۷۳- وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ. آنان که کافر شدند با یکدگر دوستند، اگر نکنید که مؤمنانرا یاری دهید (چون از شما یاری خواهند) فتنه و فسادى در زمین خواهد بود که یازگشت اسلام به کفر است.

۷۴- وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ. کسانیکه ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند و کسانیکه رسول خداى را ماوى دادند و یاری کردند، آنان مؤمنان به راستی هستند و ایشان راست آمرزش و روزی فراوان و بی رنج. ۷۵- وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولَئِكَ الْأَرْحَامُ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. آنان که پس از جنگ (جهد یبه) ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد کردند، آنان از شمايند و خویشاوندان (در میراث) در کتاب خدا به یکدگر ارزانی هستند، که خداوند همه چیز دانا است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۶۴- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. آیه. اشارت است به اینکه خداوند و گروندگان (که شماره آنها ۳۹ نفر بود و عمر چهلمین شد و از تو پیروی کردند)، تورا کافی است و چون کفار قریش آن روز آن عده را دیدند، دل از دولت خویش برگرفتند و عنانك ترشدند از روزی که وحی به رسول خدا آشکار شده بود! لطیفه: ای جوان مرد، گوهر وصال نه چیزی است که به دست هر دون همتی افتد، درمی است که در صدف



صدق صدیقان به دست آید و گویای است که از خدا انی حقایق عاشقان پیدا شود، غواصان این گوهر، خورشید ارادت و مقبول حضرت الاهیّت آمدند، وصفت ایشان در کتاب به (بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ) آمده و آنانند که رب عزت درباره آنان فرمود: **أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا**. و ثواب ایشان (لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ) است. و رزق کریم آنست که چون خورشید وصال از مشرق تابان شود، همه آرزوها نقد گردد و زیادتى بی کران شود، قصه آب و گل نهان گردد و دوست ازلی عیان گردد و دیده و دل هر دو به دوست نگران شود که:

هر کرا نور تجلی بر دلش آید پس عجب نه، گر چو موسی، که بر او حیران شود  
 ۶۷ - مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى. آیه. در روز بدر هفتاد نفر از بزرگان قریش کشته شدند و هفتاد کس اسیر از مشرکان بگرفتند، مصطفی در کار ایشان با اصحاب مشورت کرد، ابو بکر گفت: اینان همه خویشان تو هستند به نظر من از اینان فدیّه گیریم و آزاد کنیم و آنچه بدست آریم نیروی پیروزی بر کافران قرار دهیم و چه بسا که ایشان را خداوند هدایت کند و ایمان آورند و نیروی برای اسلام باشند.

حضرت به عمر اشارت کرد و رأی او را خواست، گفت: رأی من برخلاف رأی ابو بکر است ایابید مشرکان را از پشت زمین برداریم، فلان کس که از خویشان من است به دست من ده تا با شمشیر سر او بردارم و عقیل را به دست علی ده تا با او همین کار کنی و فلان کس که برادر حمزه است به دست او دهید تا همین کار کند که ایشان همگی پیشوایان کفرند اگر چه خویش و پیوند تو اند، و چون حق تو را نشناختند، سزای آنها کشتن است!

رسول خدا فرمود: مثل ابو بکر مثل ابراهیم خلیل است که گفت هر کس مرا پیروی کرد از من است و هر کس نکرد خدا غفور و رحیم است، و مانند عیسی که گفت: خدایا اگر این کافران را کیفر دهی همه بندگان تو اند و اگر به بخشی تو عزیز و حکیمی، و مثل عمر مثل نوح است که گفت خدایا، بر روی زمین از نسل این کافران دیتاری مگذار که اگر بمانند بندگان تو را گمراه می کنند، و مانند موسی که درباره قوم خود گفت، خداوند اموالشان را تباه کن و دلباشان را سخت گردان که تا عذاب الیم نه بینند ایمان نیاورند! - آنگاه حضرت رأی ابو بکر را پسندید و از مشرکان فدیّه گرفت و رهاساخت!

## سوره ۹ - توبه - (مدنی) ۱۲۹ آیه

### تفسیر لفظی<sup>(۱)</sup>

۱- بِرَأْيِهِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَيْكَ يَنْتَهِبُونَ عَاهِدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ. این یزاری است از خدا و رسول او نسبت بکسانی از مشرکین که با آنها پیمان بستید.

۲- فَسَيَحْضُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ. (شماره از پیش زینهار دادیم دیگر بس است!) پس چهار ماه در زمین سیاحت کنید و بدانید که شما خدا را در خود عاجز نیارید و همانا خداوند رسوا کننده مشرکان است.

۳- وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ

(۱) این سوره بسم الله ندارد چون بمانند سوره انفال مربوط به عهد و تقض عهد است و حکم واحد دارند علاوه

چون بسم الله آیه زینهار است و این سوره کیفر است.

كَفَرُوا بِعَدَابِ الْيَمِّ . این آگاهی است از سوی خدا و رسول به مردم روز حجت مهین (بزرگتر) که خدای از مشرکان بیزار و رسول او هم بیزار است ، پس اگر توبه کنید و از شرك باز گردید ، برای شما بهتر است ، و اگر برگردید بدانید که شما نتوانید خدای را از خویشتن عاجز آزید یا از او پیشی بگیرید او توای محمد ایشان را به عذاب دردناک بشارت ده .

۴- إِنْ لَدَيْنَ عَاهِدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ . مگر آن گروه از مشرکان که با ایشان پیمان دارید و از شرایط پیمان تخلف نکردند و چیزی نکاستند و هیچ دشمن را بر شما یاری نداده اند ، که پس پیمان با ایشانرا تا مدت معین به سر برید که خداوند دوستدار پرهیزگاران است .

۵- فَاذْأَنْتَلِخْ الْأَشْهُرَ الْحَرَامَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوا هُمْ وَأَحْصِرُوا هُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَاِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ . همینکه ماههای حرام بگذرد ، آنگاه مشرکان را هر جا یابید بکشید ، و آنانرا بگیرد و می پناوید ( محاصره کنید ) و در کین ایشان بنشینید ، پس اگر از شرك باز گردند و توبه کنند و نماز را بپای دارند و زکات دهند ، ایشانرا ایمن دارید ، که خداوند آمرزنده و مهربان است .

۶- وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَآجِرُهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ . ای محمد اگر کسی از مشرکان از تو زینهار خواست و تا در مسجد به نزدیک تو آید برای پناهندگی ، پس او را زینهار ده تا سخن خدای را بشنود ، آنگاه او را بجای ایمنی برسان ، چون ایشان گروهی هستند که نمی دانند .

۷- كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ . چگونه برای مشرکان عهدی و پیمانی نزد خدا و رسول باشد؟ مگر آنها که نزدیک مکه در روز حدییه با ایشان پیمان بستید و تا وقتی که با شما بروفا و شرطی پایند شما هم ایشانرا بر زینهار می پائید ، که خداوند پرهیزگاران از غدر و پیمان شکنی را دوست دارد .

۸- كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ . کی و چگونه با ایشان پیمان و عهدی باشد؟ در صورتیکه اگر بر شما قادر شوند و دست یابند هرگز بر شما نه آزر می خویشاوندی دارند و نه سوگند و نه زینهار دارند و شما را به سخن زبانی خویش خشنود سازند ولی دلهای ایشان سر باز زند و بیشتر اینان فاسقهای هستند که هرگز مسلمان نیستند (در علم خدا) .

۹- اسْتَشْرُوا بآيَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا فَلَئِمَّا فَتَمَدُّوا عَنِ سَبِيلِهِ اللَّهُ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . سخنان خداوند را به بهای اندک می خرید ، پس از راه خدا بر می گردند و بر می گردانند ، و ایشان بد کاری است که عمل می کنند .

۱۰- لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ السُّعْتَدُونَ . اینان در مورد هیچ مؤمنی نه آزر خدای دارند و نه زینهار و نه پیمانی که نهاده اند و ایشان پیمان شکنانند .

۱۱- فَان تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ فِي الدِّينِ وَتَفَصَّلَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . پس اگر باز گشتند و نماز بپاداشتند و زکات دادند ، پس آنها برادر الدینی شما هستند و ما سخنان خویش برای گروهی که میدانند رسای نمائیم .

## تفسیر ادبی و عرفانی

۱- بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ آیه. این آیت وعید کافران و تهدید مشرکان است، و سرانجام کفر ایشان؛ فراق جاودان و حسرت بی کران است. درخت نو میدی به برآمده، ناله بی زاری به درآمده، چه سود دارد اکنون زاری! که خداوند حکم کرد به بی زاری! این است فضیحت و رسوائی، ماتم بیگانگی و مصیبت جدائی. امروز خسته زخم جماعت، فردا سوخته آتش عقوبت، امروز عذاب و خزی، و فردا حسرت و ندامت، امروز سیاست، و فردا زقوم و حیم.

بیچاره آدمی که پیوسته در غفلت یا در فترت است، نداند که سرانجام کار او روی چیست؟ روی آشنائی است یا بیگانگی. بیچاره در غفلت و معصیت می زیبد و این نشان بدبختی است! حرام می خورد و به خسران دین رضا میدهد و این خود نشان بی زاری است! در فرمان شرع سستی و بانهی حق ناپاکی میکند و این خود نشان پلیدی و شوخی است. بیچاره آدمی، بیدار آن گاه شود که هر چه بودنی بوده نباشد، پند آن گاه پذیرد که به او هر چه رسیدنی است رسیده باشد! نمی داند که هر چه کشت رُستنی است، و هر چه رُست در ویدنی است.

۵- فَآذَانُ سَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرُمَ آیه. در این آیت خداوند قهار، اسباب قهر دشمن و انواع قتال بر شمرده، یکی را به کشتن، یکی را به بند کردن، یکی را به بار و حصار انداختن، یکی را کمین کردن، تاهمگی مغلوب و مقهور گردند. و از روی اشارت می گوید: در جهاد مهین یا مهینه دشمن که نفس اماره است انواع ریاضات و فنون مجاهدات باید، تا این دشمن ناپیدا و خطرناک نیز مقهور گردد! و در این باب هیچ مجاهدتی بالاتر از آن نباشد که نفس را از شهواتهای حیوانی بازدارد و به خواهش آن سر فرود نیارد و آنچه بر او دشوارتر و سخت تر است بردست گیرد تا او را مقهور کند.

گویند: عیسی (ع) پلاس پوشیدی و برگ و پوست درختان و گیاه زمین خوردی و هر کجا شب آمدی خفتی! چون خود را وطنی نساخته بود! تا شبی که باران می بارید و رعد و برق بود و باد سرد و سرمای سخت، از دور غاری بدید، قصد آنجا کرد، چون بر رسید ددی در آن خفته دید و او را بجای نبود، برگشت و پیش خود گفت: شغال پناه گاه دارد و پسر مریم پناه گاه ندارد! همان دم ندان رسید من پناه بی پناهانم! او از همه متاع جهان پیاله ای داشت که با آن آب می خورد، روزی یکی را دید که با دست آب همی خورد، از آن وقت پیاله را بگذاشت و گفت: من ندانستم که خداوند به من پیاله داده! نوشته اند چون روز قیامت شود درویشان را بیارند و حق خدا را از ایشان طلب کنند، آنان گویند ما را درویش و بی مال آفریدی! از درویشی به حق تو نپرداختیم! همین دم عیسی را بیاورند که در دنیا آمد و بیرون شد و او را مال و ملک نبود و بر آنها حجّت کنند، ولقمان را بر بردگان حجّت کنند که او برده بود و یوسف را بر نیکو رویان حجّت کنند و سلیمان را بر پادشاهان و توانگران حجّت کنند که همه حق خدا را گزاردند!

۱۱- فَان تَلَابُؤًا وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ آیه. اشارت است به اینکه حقیقت توبه پشیمانی است که در دل پدید آید، دردی که از درون سینه سر برزند، آتش خجالت در دل وی افتد و آب حسرت از دیده فروریزد، نه بینی شاخی که چون یک سر آن آتش زنی، از سر دیگر آب می چکد!

لطیفه: ای جوان مرده، صد هزاران ماه رویان فردوس از راه نظاره در بازار گرم منتظر ایستاده اند تا مگر گناهکاری از پرده گناه بیرون آید و گام بر بساط توبه نهی، تا ایشان جانها و دله را در قدم وی بیفشانند و بشارت به او دهند که قدم صادق برداشته است!

۶- وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ أَيْه - اگر مشرکی (که امر به کشتن او داده‌ای) به تو پناه آورد و ایمنی خواست، ردّ مکن تا کلام بخداوند بشنود و درستی دین بر او آشکار گردد و اگر بعد از شنیدن سخن خداوند ایمان نیاورد، متعرض او مشو!

... ثُمَّ ابْلِغْهُ مَا مَنَّهُ أَيْه - پس از آن ایمن گاه او را به او برسان، هم چنانکه اولیاء حق را می بینی که تاب فراق خداوند ندارند با آنکه امروز با ایمان به او زنده هستند از او پناه خواهند و چون به او رسند از فرج اکبر نمانند! تا چه رسد به کسانی که نادانند و ایمنی خواهند!

### ❦ تفسیر لفظی ❦

۱۲- وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلِئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يُنتَهُيُونَ - اگر سوگندهای خویش را پس از ایمان آوردن دروغ کنند (نکث نمایند) و در دین شما طعن زنند و عیب گوئی کنند (پیغمبر شمارا) پس پیشوایان کفر را که سوگندان ندارند بکشید تا مگر باز پس آیند.

۱۳- أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَ اللَّهَ الْحَقَّ أَنْ تَحْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - آیا کشتار نکنید با قومی که سوگندان خویش نکث کردند و آهنگت بیرون کردن رسول خدا (از شهر خودش) کردند و ایشان در بندی با شما بر شما پیشی گرفتند، آیا از آنها می ترسید؟ در صورتیکه خدا سزاوارتر است که از او بترسید! اگر ایمان دارید.

۱۴- قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ - با ایشان کشتار کنید، تا عذاب خدای به آنها به دستهای شما باشد و آنانرا خجالت زده کند و شمارا بر آنها یاری دهد و دلهای مؤمنان (دل خسته از ایشانرا) شفا بخشد و آسانی دهد.

۱۵- وَيَذَرُ هَبًّا ضَيِّقًا قَلْبًا وَيُتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ - و تادرد خشم از دلهای ایشان از روزگار و ابر برد و آنانرا که خواهد تو به دهد، که خدا دانا و راست دان است.

۱۶- أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ - آیا گمان می کنید که شما را بر این حال که شما ناید گذارند؟ و خداوند مجاهدان از شما را ندیده و نمی داند؟ و کسانی که فرود از خدا و رسول و مؤمنان، کسی را به دوستی نگرفتند نمی بیند و نمی داند؟ و خداوند به آنچه شما می کنید آگاه است! ۱۴

۱۷- مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَقِيَ النَّارُ هُمْ خَالِدُونَ - روا نیست که مشرکان سجده گاه های خداوند را تعمیر و مرمت کنند در حالی که بر خویش گواهی به کفر دهند. (و بدانکه) کارهای ایشان (از حج و خدمت خانه خدا) همه تباه گشت و باطل شد و جایگاه همیشگی آنها در آتش است!

۱۸- إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ - همانا، مسجد های خدا را کسی سازد و آباد کند که ایمان به خدا و روز رستاخیز داشته باشد و نماز را بپا دارد و زکات را بدهد و جز از خدا از کسی نترسد پس امید که ایشان از راه راست روندگان باشند!

- ۱۹- أَجَعَلْتُمْ سَفَايَةَ النَّحْلِ وَعِمَارَةَ النَّمْلِ مَسْجِدَ الْحَرَامِ كَمَا مَنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَأْتَسْتُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . آیه . آیا آب دادن از زمزم به مردم و عمارت مسجد حرام و نگاهبانی کعبه با کسانے که بخدا و روز قیامت ایمان آوردند و در راه خدا جهاد کردند برابر قرار می دهید ؟ در صورتیکه اینان با آنان به نزد خداوند یکسان نیستند ، و خداوند گروه ستم کارانرا رهبری نمی کند .
- ۲۰- الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ . کسانیکه به خدا ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند آنان بهینه خلق و بزرگتر درجه دار نزد خداوند هستند ، و آنان رستگاران و پیروز آمدگانند .
- ۲۱- يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ . خداوند ایشانرا به رحمت و خشنودی خود و به باغهای بهشت بشارت دهد و ایشان راست در آن باغها نازی پاینده و نعمتی جاویدان .
- ۲۲- خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنْ اللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ . همیشه در آن بهشت هستند ، که به نزد خداوند مزد و پاداش بزرگ است .

### ❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

- ۱۲- وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ . آیه . بعضی از تفسیرکننده ها گویند : اینان اهل بدعت و هوای نفسند که کتاب خدای راست دیدند و رأی خویش و مستحسناات عقل خودرا پیش داشتند و به چشم تعظیم در آن ننگریستند ، تا اسیر تهمت و شبهت گشتند ، اینان نه اعتقاد از روی بصیرت دارند نه سخن به طریق بیئت ، به درختی مانند که بیخش بدعت ، ساقش ضلالت ، شاخش لعنت ، برگش عقوبت ، شکوفه اش ندامت و میوه اش حسرت است از این سبب فرمان قَتَلْتُمْ أَوْلَادَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْ كُمْ لَكُمُ الْكُفْرُ رَسِيدٌ که این درخت از بیخ درآرید ، اصل این شاخه ها ببرد ، پیشوایان کفر و بدعت را امان ندهید و هرگز از ایشان ایمن مباشید که ایشان دزدانند و شما پاسبان ، دزد پاسبان را کی دوست دارد ؟ و از وی کی ایمن باشد ؟
- پیر طریقت گفت : گناه اهل سنت به عفو نزدیکتر است از طاعت اهل بدعت !
- ۱۴- قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِمَا يَفْعَلُونَ . آیه . شنیدن نصرت از سوی خداوند ، بار قتل را بر آنها سبک گردانید و وعده پیروزی کار خطرناک ایشانرا خوش کرد ، این است سنت خداوند که در هر تکلیفی تخفیفی داشته و در هر عسری یسری روان کرده است .
- ... وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ . آیه . خداوند هر کس را به اندازه بیماری شفا داد یکی از کید شیطان بیمار است شفا او در قهر دشمن است ، یکی بیمار از شهوت نفس است شفا او در مغلوب کردن آن است ، و شفا بیمار از محبت ، در مشاهده است
- جعفر بن محمد (ع) (امام ششم شیعیان) فرمود : شفا بعضی بیماران معرفت و صفا است ، و شفا بعضی تسلیم و رضا است ، و شفا بعضی توبه و وفا است و شفا بعضی دیگر مشاهده و تقوا است .
- ۱۶- أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا . آیه . هر کس گمان کند که دعوی بدون تحقیق از کسی (در پیشگاه حق) پذیرفته میشود ، حسابی و گمانی نلط است ، زیرا که حقیقت کار به معنی دارد نه صورت دعوی ا همواره مال در دست منکر است و باد درست مدعی او بحکم شرع منکر را قول قبول است و مدعی اگر دلیل ندارد قولش هذیان است . ادنیای حسنیس را

به صرف دعوی نتوان یافت، پس حقیقت حق را به دعوی کی توان یافت؟ آنچه زیر حکم مخلوق درآید به دعوی حاصل نیاید، پس آنچه خود در حکم مخلوق نیاید به دعوی کی حاصل آید؟

پیر طریقت گفت: الاهی، اگر این آه، از ما دعوی است تو سزای آنی، اگر لاف است بجای آنی، اگر صدق است وفای آنی. خدایا اگر دعوی است سخن راست است، اگر لاف است ناز راست است، اگر صدق است کار راست است. اگر دعوی است نه پیداد است، اگر لاف است از آن است که دل شاد است، اگر صدق است از توان آزاد است، الاهی، تودانی که کدام است؟ اگر دعوی بر کرم عرض کنی، ناز مرا ضرورت است!

۱۷- مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ آية. عمارت و آباد کردن مسجد در عبادت متعبدان و اخلاص مخلصان است، و مشرک نه در شمار متعبدان و نه در ردیف مخلصان است، عمارت مسجد کار مؤمنان و عبادت ایشان است، که فرمود: اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ.

پیر طریقت گفت: خدایا، از سه چیز که دارم در یکی نگاه کن: اول سجودی که جز تورا از دل نخاست، دوم تصدیقی که هر چه گفتم راست، سوم چون با ذکرم خاست، دل و جان جز تورا نخواست.

۲۱- يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ آية. بشارت دوقسم است: یکی بشارت فرشتگان به بندگان در آخر عهد دنیا که بنده رو به آخرت نهد، یکی بی واسطه فرشتگان که در انجمن قیامت هنگام محاسبه خداوند بندگان را به رحمت خود بشارت دهد.

خداوند در قرآن سه گروه را به عذاب و عقوبت بشارت داد و ده گروه را به ثواب و رحمت اسه گروه، اول مشرکانند که فرمود: کافران را به عذاب دردناک بشارت ده! دوم منافقانند که فرمود: به منافقان بشارت ده که گرفتار عذاب دردناک خواهند شد! سوم مانعان زکاتند که فرمود: کسانی که طلا و نقره (سیم و زر) را ذخیره می کنند و در راه خدا خرج نمی کنند، آنان را به عذاب دردناک بشارت ده!

ده گروه: اول مؤمنانند که فرمود: مؤمنان را به فضل بزرگ از سوی خداوند بشارت ده، دوم نیکوکارانند که فرمود: احسان کنندگان را بشارت ده، سوم توبه کنندگانند که فرمود: آنان که بسوی خدا بازگشتند بشارت ده، چهارم فروتنان و متواضعانند که فرمود: به فروتنان بشارت ده. پنجم اولیاء و دوستانند که فرمود: اولیاء خدا را ترسی نیست به آنها درد دنیا و آخرت بشارت است. ششم استقامت دارانند که فرمود: آنانکه در دنیا پای داری کردند به بهشت بشارت داده شده اند. هفتم سخن شنوایانند که فرمود: به بندگان من که سخن گوش کنند و بهتر آنرا پیروی کنند بشارت ده. هشتم پرهیزکارانند که فرمود: پرهیزکاران را در نتیجه پرهیزشان بشارت ده. نهم شکیبایان که فرمود: به صابران در راه دین بشارت ده. دهم مجاهدان در راه خدایند که فرمود: به مجاهدان بشارت رحمت و رضوان و جنت میدهند.

### تفسیر لفظی

۲۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَّخِذْهُمْ مِّنْكُمْ فَمَا وَالِكُمْ هُمْ الظَّالِمُونَ. ای کسانی که ایمان آوردید، پدران و برادران خود را به دوستی مگیرید! اگر ایشان کفر را بر ایمان بگزینند، و هر کس از شما که ایشان را به دل و جان دوست گیرد از جمله ستم کاران است.

۲۴- قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَسْوَاقٌ

اِقْتَرِفْتُمْوهَا وَتِجَارَةً تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينَ تَرَضَوْنَهَا احْبَبَ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. بگو (ای پیغمبر) اگر چنان است که پدزان و پسران و برادران شما و همسرها و خویشاوندان شما و ماها لے که گرد کرده اید و بازارگانی که از کساد آن می ترسید، نزد شما محبوب تر از خدا و فرستاده او و از جهاد در راه خدا است، پس چشم میدارید (نگران باشید) تا فرمان خدای بر سر شما بیاید که خداوند زاهدان را گروه فاسقان نیست:

۲۵- لَقَدْ نَصَّرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ. خداوند شما را در جاهای بسیار یاری کرد و روز جنگ حنین که انبوهی شما را خوش آمد، آن انبوهی که شما را به کار نیامد و سود نداشت و زمین از تنگ دلی شما بر شما تنگ شد با آن فراخی که داشت پس از آن شما برگشتید و به هزیمت پشت دادید.

۲۶- ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبُكَيْنَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَابَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ. پس از آن خداوند آرای آشنای خویش بر رسول خود و بر مؤمنان نازل کرد و گروهی از فرشتگان که شما آنها را نمی دیدید فرو فرستاد، و کافران را به عذاب کیفر داد، و این خود جزای کافران است!

۲۷- ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مَنِ ابْعَدَ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. پس از آن توبه می دهد خداوند هر یک از ایشان را که بخواهد و خدای است آمرزنده و مهربان.

۲۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عِلْمِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَتَهُ فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. ای مؤمنان، مشرکان پلیدند، مبادا که بعد از این سال به مسجد حرام آیند، و اگر از درویشی و دست تنگی می ترسید امید است که خداوند به فضل خود شما را بی نیاز کند اگر خواهد، که خداوند دانای است راست دانای.

۲۹- قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ. کشتار کنید با کسانی که ایمان به خدا و به روز رستاخیز ندارند، و آنچه را که خدا و رسولش حرام کرده اند حرام نمی دانند، و به دین اسلام که دین حق است نمی گروند و نمی پذیرند یعنی آنها که اهل کتابند از یهود و نصاری، تا آنکه از دست خود نقد جزیه دهند و ایشان خوار و بی مقدارند!

۳۰- وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ يَا قَوْمِ اهْبِئْهُم بِضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلِ قَاتَلْتَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ. جهودان عزیز را پسر خدا گفتند و ترسایان مسیح را پسر خدا گفتند این گفتاری بود که به زبان آوردند، برابر گفتار کافران و کوران که پیش از ایشان بودند، لعنت خدای بر ایشان باد، خدا آنها را بکشد چگونه دروغ می گویند!

۳۱- اتَّخَذُوا أَحِبَّائِهِمْ أَرْبَابًا مِن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُشْكِكُهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ. جهودان دانشمندان خود را و ترسایان رهبانان خود را و مسیح پسر مریم را فرود از خدای حقیقی بخدائی گرفتند در حالی که فرموده نبودند جز آنکه خدای یگانه را پرستند که نیست خدائی جز او! پاك است از آنچه برای او انبازی می گیرند!

۲۲- یُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَا أَنْ يَشْفِيَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ .  
می خواهند نور خدا را با دهانهای خویش خاموش کنند او خداوند نمی خواهد جز آنکه نور و چراغ خود را تمام کند هر چند کافران را دشوار آید .

۲۳- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .  
او خدائی است که محمد را برای رهنمائی مردم فرستاد به دین راست تا برتری دهد بر همه دینها هر چند مشرکان را دشوار آید .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۲۲- لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَأَبْنَاؤَكُمْ وَآخِوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ . آیه . نشانه راستی ایمان به یگانگی خداوند ، قطع علاقه ها و ترك عادت ها و توجه به خدا در تمام حالها است ، که هر که حلقه انقیاد شرع در گوش فرمان کند به بهشت رسد ، و هر کس که دیده حرص به ناول فقر و فاقه بدوزد از دوزخ برهد ، هر کس یعقوب وار در غم خانه عشق نشیند و از علایق و خلایق بیبرد ، به صحبت مولی رسد .

ابراهیم خلیل در بدایت کار دنیا را بر مثال ستاره و ماه دید ، سپس آفتاب خود را بدو نمود چون در نگریست بر هیچ یک از آنها آثار عز فقر و نشان ازل و ابد ندید ! و بیک بار از دنیا اعراض کرد و دل از فرزند بداشت و نفس خویش را به آتش نمرود سپرد ، پس هر که خواهد در کوی موافقت بر بساط محبت منزل کند ، باید مرکب علاقت را یکبارگی کشد .  
ابراهیم ادهم که دست از پادشاهی بلخ بنشست و به اورنگ فقر نشست و ره سپار مکه شد و در آنجا جایگاه گزید ، روزی پسرش که از جایگاه پدر باخبر شد به دیدن وی عزم حج کرد ، چون به موسم حج رسید ابراهیم او را دید ، از او برگشت و بگوشه ای باز شد و بسیار بگریست و گفت : خدایا ، همه خلاق در هوای تو واگذاردم و از خان و مان و فرزند درگذشتم تا به دیدار تو رسم ، دیگر مرا دیدار فرزند علاقه نباشد !

۲۴- قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ . آیه . هر کس عیال و فرزند خویش و پیوند و مال و ملک و اسباب را از خدای و رسول دوست تر دارد ، بهره وی از مسلمانان جز نامی نیست ! و از حقیقت ایمان او را بوئی نه ! بیچاره آن کس که عمری به سر آرد و او را از این حدیث بوئی نه ! تو را از دریا گمان چیست که جوئی نه !

۲۵- لَقَدْ تَنَصَّرَ كُمْ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ . آیه . خردبینی (عجب) غول راه است و آفت دین و سبب زوال نعمت و کلید فرقت و مایه غفلت ، عجب آنست که طاعت خود را بزرگ داند و خدمت از خود شناسد و به چشم بسند در او نگردد ، بفتوای نبوت طاعت این چنین کس هرگز بر فرق بی برنگردد !

بیر طریقت گفت : الاهی ، از دود دعوی به زینهارم و از هرد به فضل تو فریاد خواهم ، از آنکه پندارم به خود چیزی دارم ، یا پندارم که بر تو حق دارم خداوند ، از آنجا که بودیم برخاستیم لکن به آنجا نرسیدیم که خواستیم ! خدایا ، هر کس نه کشته خودی است مُردار است ، و مغبون کسی که نصیب او دوستی گفتار است ! او را که راه جان و دل به کار است ، او را با دوست چه کار است ؟

پیغمبر فرمود : اگر هیچ گناه نکرده باشید ، بر شما از سخت ترین گناهان می ترسم و آن عجب است .

۲۸- إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ . آیه . کافران خبیث اند و دلهاشان به نجاست کفر آلوده و به دود شرك سیاه شده و هرگز آب توحید به آن نرسیده که عنایت ازل ایشانرا در نیافته با این خبیث و نجاست کی سزاوار مسجد باشند



که شهید قرب حق است و محل الطاف کرم، جای پاک جز پاکان را بخود راه ندهد و دلهای مؤمنان که به آب توحید شسته و به جاروب حسرت رفته و بیساط میهر ازل در آن گسترده و از علایق و اغیار بحالی گشته، لاجرم محل خرگاه قدس کشته و میدان مواصلت حق شده!

پیر طریقت گفت: الاهی، نزدیک نفسهای دوستانی، حاضر دل ذاکرانی، از نزدیک نشانت میدهند و برتر از آنی! از دورت می جویند و تو نزدیکتر از جانے، ندانم که در جانی یا جانرا جانی؟ نه اینی و نه آنی! جانرا زندگی می باید توانی، چه خوش گفت آن جوان مرد:

بمیر ای حکیم از چنین زندگانی  
از این جیفه کلبه، مرگت رهاوند  
کزین زندگانی چو ماندی بمانی!  
کند عقل را فارغ از لا ابالی  
که مرگ است سرمایه زندگانی!  
کند روح را ایمن از کن ترانی!

۳۰- وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ . آیه . اگر خطاب از مخلوق رقی عین شکوی بودی، و گله به دوستان از دشمنان کردن، تحقیق وصلت و تشریف دوستان باشد اخداوند می فرماید: بیگانگان و دشمنان ما رایه سزای ما صفت نکردند و حق خداوندی ما نشناختند! و حرمت نداشتند: فرزند آدم مرا دروغ زن گرفت و نرسد او را که مرا دروغ زن کرد! و ناسزا گفت و نرسد او را که مرا ناسزا گوید. اما آنچه ما را دروغ زن گفت این است که گفت: پس از آنکه مریم ما را باز نیافریند! و من همانم که اول بودم، در اول نبود بیا فریدم و از آغاز نوساختم به آخر باز آفرینم! چنانکه اول آفریدم، که نه اول بر من آسان تر از آخر، من همانم که بودم قادر به کمال، مقدر ذوالجلال، لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ، و اما ناسزا که فرزند آدم به ما گفت: خدای را فرزند گرفت! نه چنان است که او گفت، که من یگانه و یکتایم، بی زن و بی فرزند، بی خویش و بی پیوند، بی نظیر و بی مانند، من در ذات یکتا، در صفات بی همتا، پاک از وصفها، جبار حکیم، دانا و قدیر، غفار و رحیم.

### ❁ تفسیر لفظی ❁

۳۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرٌ مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَسَاءُ كَلْمُونَ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . ای کسانی که ایمان آوردند، بسیاری از دانشمندان جهودان و ترسایان مالهای مردم را به ناروایی و ناپایستی و ناشایستی می خورند و مردمان را از راه خدا بازی دارند، و کسانی که سیم و زر را گنج می نهند و آنرا در راه خدا خرج نمی کنند آنرا به عذاب دردناک بشارت ده!

۳۵- يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَلْدًا مَا كُنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ قَدْ قُوتُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ . آن روز که آنرا می نهند و با آن در دوزخ آتش می افروزند پس پیشانی آنها و پهلوهای آنها و پشتهای آنها داغ می کنند (و با آنها می گویند) این است آن گنجی که برای خودتان اندوختید پس بچشید گنجی را که خود نهادید!

۳۶- إِن عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ . شماره ماهها در کتاب خدا نزد خداوند ۱۲ ماه است، از آن روز که آسمانها و زمین را آفرید،

که از جمله آنها چهار ماه حرام است. (جنگ در آن ماه ها) ذَلِكُمُ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. این است دین استوار و شمار راست، پس در آن ماه ها بر خود (بواسطه جنگ) ستم نکنید و همه مشرکان را همواره کشتار کنید چنانکه آنها هم همه شما را همواره کشتار کنند و بدانید که خدای با پرهیزکاران است.

۳۷- اِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهَا الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عُلَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عُلَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنٌ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. همانا تأخیر حرمت ماه حرام تا ماه صفر، افزایشی است بر کفر که کافران را با آن بی راه تر کنند، یکسال محرم را حلال می کنند و یکسال حرام را تا به مراد و به هوای دل خویش شماره ماه ها را برابر کنند و تا حرام خدای را حلال کنند و کارهای بد ایشان را برایشان آراستند که خداوند گروه کافران را ره نماید.

۳۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَنْ رَضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ. ای کسانی که ایمان آوردند، چه رسید شمارا آنگاه که بشما می گویند برای جهاد در راه خدا بیرون شوید گران جانی می کنید؟ و گران خیزید، آیا این جهان را بدل از جهان دیگر پسند کردید؟ در حالیکه بر خورداری از این جهان در برابر جهان دیگر بسیار اندک است! ۳۹- إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اگر برای جهاد بیرون نشوید، شمارا عذاب دردناک خواهند کرد و بجای شما قومی دیگر به جنگ دشمن بیرون شوند و شما خدا و رسول را هیچ گزند نیارید و خداوند بر همه چیز از تغییر و تبدیل توانا است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۳۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَابِ وَالرُّهْبَانِ آتِهِ. در این آیه هم تخصیص است و هم تشریف و هم تهدید و وعید، تشریف مؤمنان است که ایشانرا به ندای کرامت می خواند و به خطاب کریم می نوازد، و نوازش خود بر ایشان می نهد، و عطاء خود برایشان می ریزد، و به ایمانشان گواهی می دهد، این است کرامت و نعمت، این است لطافت و رحمت، کاری دراز ساخته، بنده را بی بنده عقد دوستی بسته و ندای کرامت و نعمت بجان وی رسانیده. پیر طریقت گفت: ندای حق سه قسم است: یکی را به ندای وعید از روی عظمت خواند به ترس افتاد، یکی را به ندای وعده به نعمت رحمت خواند بر جا افتاد، یکی را به ندای لطف به حکم انبساط خواند به مهر افتاد. بنده باید میان این سه ندای وعده و سه حال، گردان باشد بدین گونه که ترسی باید که از گناه دوری کند، امیدی باید که او را بر طاعت دارد، مهری باید که او را از او باز راند!

تا تو تویی تو را به حق ره ندهند چون بی نوشدی ز دیده بیرون نهند  
... لَيْتَا كُنَّا كَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ آتِهِ. از روی اشارت می گوید: مبدا که عالم در تعلیم علم و پیر در تربیت مرید طمع دارد! که طمع آئینه علم را تاریک کند و چشمه برکت را خشک نماید و قیمت مردم را کم کند و هیبت پیر از دل مرید ببرد و حرمت علم فرو نهد!

پیغمبر فرمود: بدبنده ایست بنده طمع و پیرو هوی و هوس که بدترین پیروی از نفس آماره است.

نیوز فرمود: بیاید زمانی بر امت من که فرمان دارانشان ستم کنند و روحانیانشان طمع ورزند و عبادت کارانشان ریا کنند و بازارگانانشان ریا خورند، و زنهاشان به زیور دنیا (مبذ روز) خود را آراسته کنند!  
و دانشمندی که در آموختن دانش چشم طمع به مال دنیا ندارد و آسایش و بهره مندی مردم در آن جویند، و دانش خود را به طلب جاه و ریاست و جمع مال دنیا نباه و ضایع نکند، از علم خود برخوردار شود و برکت دانش به او رسد و ثواب او ثواب پیمبران باشد.

۳۴- وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَسْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ . آیه . کسانی که سیم و زر (نقره و طلا) را ذخیره می کنند و در راه خدا خرج نمی نمایند بخیلانند و بخل نه کار دین داران است و نه خوی دوستان است که گفته اند : پیمبران و دوستان و راست گویان از صفت بخل دورند .

از شبلی عارف بزرگوار پرسیدند زکات چند باید داد؟ گفت: نزد فقیران از هر دو بیست درهم پنج درهم (ریال) باید داد ولی به مذهب ماهمه ۲۰۰ درهم باید داد . چنانکه یکی از صحابه بجای نصاب زکات همه مال خود داد و دیگری از صحابه نیم مال خود را داد، آنکه تمام داد گفت خدای را بر من حق است، و آنکه نیم داد گفت مرا نزد خدای مزد است . حضرت فرمود: آنکه نصف مال داد بر مقام شریعت بود و آنکه تمام مال را بداد بر مقام حقیقت بود و ثمر اهل شریعت تقسیم بهشت است و ثمره اهل حقیقت، روح مشاهده و شهود است، حساب اهل حقیقت بر بساط انیس است و حساب اهل شریعت به موقف است .

۳۵- يَوْمَ يُحْمَلُنَا فِي سُنَابِقِ الْجَهَنَّمَ . آیه . داغی تن را در این آیت به پیشانی و پهلو و پشت تخصیص داد! چون بخیل هرگاه مورد درخواست مسائلی واقع شود، نخست پیشانی را فراهم کشد! ناچار بر آن داغ نهند! و پهلو که از سر کبر در رویش زند و پشت که برگرداند! نادانی که درویش را در آن حضرت جاه و مقدار است! او شرف درویش آنست که چون توانگر اعتماد بر دنیا دارد، او اعتماد بر مولی دارد، هرگاه توانگری به خدای تقرب کند به وسیله درویش کند! و اگر درویش به توانگر از بهر دنیا تقرب کند از دین برآید! از اینجا است که :  
پیغمبر فرمود: هر کس توانگری را فروتنی کند از جهت توانگریش، یک سوم دین خود را از دست داده و اگر به زبان او را مدح (و تملق) گوید دو سوم دین خود را از دست داده و اگر به دل او را تعظیم (کبرتیش) کند، همه دین را از دست داده است!

لطیفه: درویش با دین نزد توانگر رود و بی دین بیرون شود، و توانگر با گناه پیش درویش شود و بی گناه بیرون رود! و هر چند مردم ایشانرا درویش خوانند ولی در حقیقت توانگر خود ایشانند!  
۳۶- اِنْ عِبَادَةَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ . آیه . گفته اند: حکمت اینکه خداوند روزگار را بر دوازده ماه نهاد آنست که تا بر عدد حروف توحید یعنی کلمه لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ باشد، که پیغمبر فرمود: دور فلک و گردش روزگار و سال و ماه در زمین به توحید موحدان بسته، تا این ۱۲ حروف از زبان موحدان روان است این ۱۲ ماه بر نسق خویش و بر هیئت خویش گردان است، هر حرفی پاسبان ماهی ساخته و نسبت این در بیان آن بسته، آن روز که قضای الاهی و حکم ازلی در رسد و خواهد که بند آسمان و زمین برگشاید! و زمین خاک را بر افشانند و روزگار به سر آرد، نخست توحید از میان خلق بردارد تا نه توحید مال نه موحید، نه قرآن و نه مؤمن! که پیغمبر فرمود: رستاخیز به با نخیزد جز وقتی که در روی زمین کسی کلمه خدا را (الله) بر زبان نیارد!

## تفسیر لفظی

۴۰- اَلَا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللهُ اِذْ اَخْرَجَهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوا ثَانِيْنَ اِلَيْنَا اِذْ هُمْ اَفْيَا فِي الْغُلَاظِ اِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهٖ لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا . اگر یاری ندهید رسول خدا را ، خداوند او را یاری داده است آنگاه که کافران او را بیرون کردند در حالیکه دومی دوتن بود ، هنگامیکه به یار خویش گفت : دل تنگ مباش خدا با ما است . فَاَنْزَلَ اللهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلَيْهِ وَاَيَّدَهٗ بِجِسُوْدَيْهِمْ تَرَوُهَاجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا السَّقْمٰلِ وَاَكَلِمَةَ اللهُ هِيَ الْعُلْيَا وَاللهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ . پس خداوند آرامش بر او فرستاد و یاری داد او را به سپاهانی که شما نمی دیدید و سخن کافران را پائین و پست و مغلوب کرد و سخن خدای را بالا و غالب قرار داد و خداوند توانا و دانا است .

۴۱- اِنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ . بیرون شوید (به جنگ تبوک) سبک بالان و گران باران و جهاد کنید در راه خدا با مال و جان خود ، این برای شما خیر است و نیکوتری اگر دانسته باشید .

۴۲- لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيْبًا وَسَفَرًا قٰصِيْدًا لَاتَّبَعْتُمْوَاللّٰكِيْنَ بَعْدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّمَّةُ وَسَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُوْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاللهُ يَعْلَمُ اِنَّهُمْ لَلْكَٰذِبُوْنَ . اگر چیزی از مال این جهان فرادست رسیدی اوسفری کوتاه و دل خواه بود اتورا پیروی می کردند و بر پی تومی آمدند لکن راه دور بر آنها سخت بود و سوغند یاد می کردند که اگر می توانستیم باشما برای جنگ بیرون می آمدیم آنان در تباهی و هلاک خویش هستند و خدای داند که ایشان دروغ زن هستند .

۴۳- عَفَا اللهُ عَنْكَ لِمَ اَذِنْتَ لَهُمْ حَتّٰى يَتَّبِعِيْنَ لَكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوا وَتَعْلَمُ الْكٰذِبِيْنَ . خدای از تو درگذشت ، چرا به ایشان اذن دادی (در نشستن از جنگ) تا پیدا شود برای تو کسانی که راست می گویند و دروغ گویان را بشناسی ؟

۴۴- لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِيْنَ يُّؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ اَنْ يُجَاهِدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ وَاللهُ عَلِيْمٌ بِالْمُتَّقِيْنَ . کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان دارند از تو اذن (نشستن از جنگ) نخواهند ، از اینکه با مال و جان خود جهاد نمایند ، و خداوند به حال پرهیزکاران دانا است .

۴۵- اِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِيْنَ لَا يُّؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَاَرْتَابَتْ قُلُوْبُهُمْ فَهَمُّ فِيْ رِيْسِهِمْ يَتَرَدَّدُوْنَ . همانا از تو کسانی اذن می خواهند که به خدا و روز رسوخیز ایمان ندارند و دلهاشان در شک و تردید افتاده و آنان در گمان خود دودل و سرگردانند .

۴۶- وَلَوْ اَرَادُوا الْخُرُوْجَ لَعَدُوْا وَاَلِهٖ عُدَّةٌ وَّالَّذِيْنَ كَرِهَ اللهُ اَنْ يُسَبِّحَهُمْ فَشَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اَفْعَدُوْا مَعَ الْقٰصَعِيْنَ . و اگر می خواستند با تو به جنگ بیرون شوند ، پیش از عذر خواهی خود را برای جنگ آماده می ساختند و لکن خواست ایشان را ناپسند خدا آمد ، پس آنها را واپس کرد و پس نشان داد و ایشان گفتند : شما هم بانسندگان بنشینید ا

۴۷- لَوْ اَخْرَجْتُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ اِلَّا اَخْبَالًا وَّلَا اَوْضَعُوْا اِحْلَالَكُمْ يَتَّبِعُوْنَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيْكُمْ سَمْعٰعُوْنَ لَهُمْ وَاللهُ عَلِيْمٌ بِالظَّٰلِمِيْنَ . اگر باشما بیرون شده بودند (برای جنگ) بر شما نمی افزودند جز تباهی و در میان شما سخن چینی می کردند و برای شما فتنه و شور در دل راه می انداختند و در میان شما جاسوسانند که سخنان آنها می نویسند تا بایشان رسانند و خداوند به ستم کاران دانا است .

۴۸- لَقَدْ اِسْتَعْوَا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلِ وَّقَلْبُوْا لَكَ الْاَلْمُوْر حَتّٰى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ اَمْرُ اللّٰهِ

وَهُمْ كَلَّاهُونَ . آنان فتنه و شور در دل مسلمانان را از پیش جست و جوی کردند و کارهای تورا در بد سگالی گردانیدند تا آنکه یاری خدای رسید و کار دین آشکار شد در حالیکه آنان ناخواه و برایشان دشوار بود .

۴۹- وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائِذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَاِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ

بِالْكٰفِرِيْنَ . از میان منافقان کسی است که می گوید به من اذن ده تا بتیشیم و دل و چشم مرا به زبان روم (در جنگ تبوک) فتنه مکن آنگاه باشید ، آنان از پیش در فتنه افتاده اند و دوزخ کافران را فرا گرفته است .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۴۰- اَلَا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللهُ . آیه . سعادت بندگان در عنایت است و آنجا که عنایت است پیروزی را

چه نهایت است؟ کار جذبه الاهی ، مغناتیس عزت و کوشش عنایت دارد ، هر جگای کوششی بود آنجا کوششی بود ، هر جگای صدق بود آنجا تصدیق بود ، و هر جگای تصدیق بود آنجا دلی بود و آنجا که دل بود فتوحی بود ، و آنجا که فتوحی بود سعادت بود . خنک آن بنده که اهل این قصه بود !

پیر طریقت گفت : کریم ، این سوز امروز ما درد آمیز است ، نه طاقت به سر بردن نه جای گریز است ، لطیف ، این منزل ما چرا چنین دور است ، هم راهان برگشتند که این کار غرور است ، گرم منزل ما سرور است این انتظار سورا است ، و گر منتظر مصیبت زده است معذور است .

مصطفی گوید : از جبار عالم فرمان آمد که ای محمد ، وقت آن است که به منبر سعادت بر شوی و با مردم بگویی :

لَا اِلهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ ، محمد گفت : با که گویم که همه عالم منکر این حدیثند ا جبرئیل گفت : ای محمد اگر منکر نبودندی به سعادت دعوت تو کی رسیدندی ؟ همه کس به سعادت دعوت تو نزدیک نیست جز معدودی !

ابوبکر از خانه خویش به در آمد و دیده بر جمال مصطفی افتاد ، مغناتیس نبوت محمدی گوهر صدق او را بخود کشید ، حضرت پرسید چرا چنین ضعیف داری و زردی روی تو از چیست ؟ گفت چند سال است آتشی تیز در باطن خود می بینم هر روز که بر آید گرم تر شود ، مرهمی همی جویم که این آتش به آن فرو نشانم حضرت پرسید در نبوت و رسالت ما چه گوئی ؟ گفت راست است و پاک است و نوش باد این شراب مهر که از جام توحید بتور رسیده است . آنگاه به زبان حال گفت : الاهی ، کشیدیم آنچه کشیدیم ، همه نوش گشت چون آوای قبول شنیدیم ، الاهی ، دانی که هرگز در مهرشکیبا نبودیم ، و به هر کوی که رسیدیم حلقه در دوستی تو گرفتیم ، و به هر راه که رفتیم بر بوی تو آن راه را بریدیم ، دل رفت مبارک باد ، گر جان برود در این راه پسندیده ایم !

... فَاَنْزَلَ اللهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلَیْهِ . آیه . رسول خدا از شر کافران و مشرکان و منافقان به غار ثور نزدیک

مکه پناه برد ، در راه ابوبکر به حضرت رسید و با او همراه شد و بدین سبب به یار غار معروف گشت ، حضرت یا یار غار سه روز در آنجا بماند و چوپان ابوبکر شها شیر برای آنان می آورد ، پس از سه روز از غار بیرون آمده و عازم مدینه شدند و کافران از یافتن محمد نومید گشتند ، بوجهل گفت : هر که محمد را باز آورد صد شتر او را دهم یکی از جنگ آوران دلاور عرب سرافقه نام به طمع مال حاضر شد که پی جویی کرده آنها را بیابد و صد شتر گیرد ، او گوید : سه بار بر ستور سوار شدم هر سه بار بر زمین افتادم . بار چهارم بر او نشستم و رفتم تا در بیابان به نزدیک آنها رسیدم ، یار غار تا آن دلاور را دید شناخت و ترسید و گفت : یا محمد این آدم با هزار سوار می جنگند اینمهر چون دید ابابکر ترسیده گفت : ترس خدا با ما است ، در حال پای ستورش تا شکم به زمین فرو شد ، آنگاه در حال سرنگونی گفت : یا محمد من بتو عهد می کنم که با تو

گردد نرسانم و نرنجانم و هر کس به طلب تو آید از تو دفع کنم. رسول خدا دعا کرد تا پای اسب از زمین برآمد، آنگاه گفت: ای محمد من دانم که کار تو بالا گیرد و پایگاه تو بلند شود، مرا نامه ای ده تا میان من و تو نشانی باشد، ابو بکر نام او بر سنگی یا پوستی نوشت و آن مرد هم از تیردان خود تیری برکشید و گفت مرا در این راه شتر و گوسفند بسیار است این تیر نشان من باشد تا شما در راه هر چه خواهید بشما دهند، حضرت فرمود ما را به طعام وی نیازی نیست و او باز گشت و مصطفی با یار غار به مدینه رفتند و در این واقعه بود که چون پیغمبر عزم پناهندگی به غار و هجرت به مدینه نمود شب علی (ع) در بستر او خوابید و چون مشرکان قریش به قصد کشتن محمد به خانه او رفتند علی را در خوابگاه بجای محمد دیدند و از ستیز با شیر خدا پرهیز کردند!

تفسیر لفظی

۵۰- اِنْ نُصِيبَكَ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَاِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةً يَقُولُوا قَدْ اَخَذْنَا اَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ. اگر نیکویی به تو رسد، ایشانرا بد آید و اندوهگین کند و اگر زبانی و مصیبتی به تو رسد می گویند این بود که از پیش از این ما باز نشستم، و برگردند شادان و تازان!

۵۱- قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللهِ فَكَيْتَو كَلَّ الْمُؤْمِنُونَ. بگو (ای محمد) به ما نرسد جز آنچه خدای ما را از رسیدن به آن نوشته است، او است یار ما و خداوند ما و ایدون با او پشتیبان به خدای یگانه.

۵۲- قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا اِلَّا اِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ اِنْ يُصِيبِكُمُ اللهُ بَعْدَ ابٍ مِنْ عِنْدِهِ اَوْ بِيَا بِلَدَيْنَا فَتَرَبَّصُوا اِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ. بگو (ای پیغمبر) چیزی چشم مدارید که به ما رسد جز یکی از دویکی (پیروزی یا شهادت) و ما به شما چشم داریم که خداوند عذاب در دناك از نزد خودش یا به دست ما به شما رسد! پس چشم به راه باشید، ما هم باشما چشم به راه دارندگانیم!

۵۳- قُلْ اَنْفِقُوا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ اِلَّا اَنْتُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ. بگو نفقه دهید، خوش منش یا بد منش، (خشنود یا ناخشنود) هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد که شما گروهی بیرون از فرمان برداری هستید!

۵۴- وَمَا مَنَعَهُمْ اَنْ يَقْبَلَتْنَهُمْ نَفَقَاتُهُمْ اِلَّا اَنْتَهُمْ كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَلَا اِنَّا تَوَّانَ الصَّلٰوةِ اِلَّا وَهُمْ كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُونَ اِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ. کردار ایشان و نفقه های ایشان باز نداشت آنها را از قبول، مگر آنکه آنان به خدا و رسول او کافر شدند و به نماز جماعت نیامدند مگر با سستی و تلبلی و زکات ندادند مگر به دشواری و کراهت!

۵۵- فَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ اِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ. پس خوش مباد تور ما لها و فرزندان ایشان، همانا خداوند می خواهد (بافزون کردن مال و اولاد) آنها را درین جهان عذاب کند و جان ایشان بر آید در حالیکه کافر هستند!

۵۶- وَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ اِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْهَمُونَ. به خدا سوگند یاد می کنند که ایشان از شما نیستند! در حالیکه ایشان از اهل دین شما نیستند، بلکه گروهی هستند که از دوسوی می ترسند!

۵۷- لَوْ يَجِدُونَ مَكْرَجًا اَوْ مَخْرَجًا اَوْ مَدْخَلًا لَوَلَّوْا اِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَعُونَ. آنان اگر پناه گاهی یا مخرجی گاهی یا مخرجی بیابند، روی به آن روند و شبانان و دوان روند!

۵۸- وَمِنْهُمْ مَنْ يَتْلُمَزُكُ فِي الصَّدَقَاتِ فَيَا نِ اُعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْطُونَ. از ایشان کسانی هستند که تورا در دادن صدقه ها (زکات) بیادادگر خوانند، پس اگر به آنها از آن صدقه داده شود خشنودی شوند و خرسند اولی اگر ندادند در آن وقت آنان به خشم درآیند و ناخرسند شوند.

۵۹- وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا لِلَّهِ رَاغِبُونَ. اگر آنان به آنچه خدا و رسول به آنها داده اند خشنود و خرسند بودند و می گفتند ما را خدای بسنده است و آنچه بما بخشیده، بزودی خدا و رسول او از فضل خود بما خواهد داد و ما بی نیاز و بسوی خدای عرض حاجت می کردیم (بہتر بود)!

### تفسیر ادبی و عرفانی

۵۰- اِنْ تُصِيبْكَ حَسَنَةٌ تَسْتَوْهَمُ. آیه. هر که نعمت وی تمامتر و نوازش خدای بر او بزرگتر، حاسدان وی بیشتر، منافقان که نعمت و نوازش و فضل خدای را بر مصطفی و بر مؤمنان دیدند بر آنان حسد بردند.

پیغمبر فرمود: سه صفت اصل همه گناهان و خطاها است که باید از هر سه آن دوری جوئید و پرهیز نمائید: یکی تکبر است که ابلیس را از سجده به آدم باز داشت دوم حرص است که آدم را وادار به خوردن میوه ممنوع در بهشت کرد. سوم حسد است که قایل فرزند آدم، هابیل برادر خود را بواسطه حسد کشت!

موسی (ع) مردی را نزدیک عرش الاهی دید که درجه بزرگی یافته و به نوازش و لطف بی نهایت پروردگار رسیده، چون آن منزلت را بدید غبطه برد و آن مقام و درجه را آرزو کرد و گفت: خداوند! این مرد از چه سبب به آن منزلت و مقام رسید؟ ندا آمد که هرگز بر کسی حسد نبرد!

لطیفه: نوشته اند در آسمان پنجم فرشته ای از طرف خداوند مأمور است تا کارهای بندگان رسیدگی کند و چون عمل هر کس با نجا رسد، صاحبش ایست دهد تا به بیند در کارهای او حسد هست یا نه!

۵۱- قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا. آیه. این آیت حجتی است روشن به قید زبان که گویند آنچه خوبی است به تقدیر خدا است و آنچه بدی است به کردار ما است! خداوند می گوید: تمام خیر و شر و همه سود و زیان و نیاز و بی نیازی همه به خواست خداوند و به تقدیر اوست! و همه چیز به قدرت و مشیت او است، موی بر تن نجبد جز به اراده او، خطری نیاید جز به علم او.

پیر طریقت گفت: الاها، ای دهنده عطا و پوشنده خطا، الاهی، کار پیش از آدم و حوا است و عطا پیش از خوف و رجا است، اما آدمی به سبب دیدن مبتلا است، خاصه خداوند آن بنده ایست که از سبب دیدن رها است، اگر آسیای احوال گردان است قطب مشیت بجا است، پس حکم آنست که در ازل رانند، قسمت آنست که در ازل کردند، یکی را رقم سعادت کشیدند و معصیت او را زینان نه! یکی را حکم به شقاوت کردند و از طاعت او سودی نه!

عارفی بلند پایه گوید: در بصره روزی دیدم که دو جنازه می برند و مردم به یکی پارچه برای تبرک می اندازند و به دیگری سنگ پرتاب می کنند! سبب پرسیدم گفتند در این شهر مؤذنی بود که چهل سال در زهد و عبادت گذرانید روزی به وقت آنکه بانگ نماز کرد، دل در سرف زلف خوب روئی گم کرد و آن خوب روی به دوش شرط رضا به همسری و داد

یکی آنکه خمر نخورد و دیگری آنکه زنتار بندد! اذان گوهر دورا پذیرفت! آن خوب روی چون انجام دو شرط را دید گفت: قدم اختیار ما را در این مواصلت بریدند! و دوش جفت ما را در آخرت بما نمودند و شغل ما را به مراد ما بساختند، آنگاه او شهادت را ادا نمود و بر مسلمانان جهان بداد! چون این خبر به اذان گوهر رسید از حیرت و حسرت آهی کشید و بر کافری جهان بداد! اکنون آن جنازه که گل باران و برای تقرب و تبرک دستارها بر آن می اندازند جنازه آن زن است و آنکه سنگ باران می کنند جنازه مرد اذان گواست! |

... وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ . آیه . اهل ایمان را از تو کمال چاره نیست، و آنرا که تو کمال نیست ایمان نیست! تو کمال بر کسی باید کرد که عزیز و رحیم است و بنگر تا اعتماد بر کسی نکنی که امروز هست و فردا نیست! تو کمال بر پادشاهی کن که همیشه زنده و جاویدان و پاینده است .

لطیفه : از مرغان هوا تو کمال بیاموز! با مداد هر یکی از آنها بینی از لانه های خود بیرون آمده ، بے زار از خود و بی زار از خلق ، چون شب در آید حوصله آنها پراز دانه و به آشیانه خود باز گردند! - اگر بر خدا تو کمال کنید و مانند مرغان پی دانه روید خداوند روزی شما را مقرر و برجا نهاده است! (تفسیر لقطی)

۶۰- إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ . زکات ها که خداوند واجب کرده برای تهی دستمان و تنگ دستان و ستانندگان زکات و دل راه یافتگان به اسلام و بردگان آزادی خواه و وام داران از بهر صلاح مسلمانان ، و در راه خدا (در راه غازیان و مجاهدان) و راه گذریان در مانده ، فریضه ایست از سوی خداوند بر بندگان و خداوند دانایست راست دان .

۶۱- وَمِنَهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُوذِيَ قَبْلَ أَنْ نُحْيِيَ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . از جمله کافران و مشرکان و منافقان کسانی هستند که پیغمبر را می رنجانند و آزاری دهند و می گویند وی همه گوش است، با آنها بگو همه گوش بودن برای شما به است که به آنچه از خدای به او میرسد می گردد و مؤمنان را به راه راست و امیدارد و راست گوی می داند و رحمتی است برای گروندگان از شما و آنها که پیغمبر را اذیت می رسانند ایشان راست عذاب دردناک .

۶۲- يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ الْحَقُّ إِنَّ يَرْضَوْهُ إِنَّ كَلْتُوا مُؤْمِنِينَ . به خدا سوگند یاد می کنند که شمارا به سخن خشنود کنند در حالیکه خشنودی خدا و رسولش سزاوارتر است اگر آنها مؤمن هستند .  
۶۳- أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ . آیا نمی دانند که هر کس با خدا و رسولش دشمنی و گران سری و نفاق کند سزای او آتش دوزخ است که در آن جاویدان و این است رسوائی بزرگ!

۶۴- يَحَادِرُ الْمُشَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُوا إِنَّا اللَّهُ مُخْرِجُ مَا تَحَدَّرُونَ . منافقان می پرهیزند از اینکه سوره ای بر آنها از آسمان فرود آید که ایشان را از آنچه در دل دارند خبر دهد ، بگو (ای محمد) به آنها ، افسوس بدانید (استهزا کنید) و خدای بیرون خواهد آورد از دلهاشان آنچه را که پرهیزی کردید .

۶۵- وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ يَا آللَّهُ وَإِيَّاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ



تَسْتَهْزِؤُنَ . اگر از آنان پرسنی که چرا بدی گفتند و استهزاء (افسوس) کردند؟ پاسخ دهند که ما به زبان سخنی می گفتیم و بازی می کردیم ابگو آیا به خدا و رسولش بدین گونه استهزاء می کردید ؟

۶۶ - لَا تَعْتَدُوا رُؤَا قَنَا كَقَمَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ اِنْ نَعَفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نَعْتَدُ بِطَائِفَةٍ

بِآيَاتِهِمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ . عذر نخواهید و خویشن را باز مپوشید که پس از ایمان آوردن کافر شدید اگر گروهی از آنان که در این سخنان بودند به بخشیم ، گروه دیگر را که قومی گناه کارند کیفر خواهیم داد .

۶۷ - الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَا مَرْوَنَ يَا الْمُشْكِرَ وَيَسْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ

وَيَقْبِضُونَ اَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللّٰهَ فَنَسِيَهُمْ اِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفٰسِقُونَ . مردان و زنان منافق همه از یک جنسند ، یکدگر به زشتی و ناپسندی فرمان می دهند و از پاکی و پسندیدگی بازی دارند ا و دستهای خود را از انفاق در راه خدای بندند آنان خدای را بگذاشتند (فراموش کردند) خدا هم آنان را بگذاشت که منافقان از ایمان راست بیروند .

۶۸ - وَعَدَّ اللّٰهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّةَ لَارَ لَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ

وَلَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ . خداوند مرد و زن منافق و کافران را آتش دوزخ وعده داده و آنها را لعن کرده پس آنان راست عذاب جاویدان .

۶۹ - كَالَّذِينَ مِّنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا اَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَاَكْثَرًا اَمْوَالًا وَاَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا

بِخِلَافِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخِلَافِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِّنْ قَبْلِكُمْ بِخِلَافِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا اُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَاْلآخِرَةِ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ . سرانجام ایشان مانند سرانجام کسانی است که پیش از شما بودند و از حیث نیرو و مال و فرزندان از شما نیرومندتر بودند و بهره خود را از این جهان بکوشیدند و ببرند و شما هم می کوشید که بهره خود را از این جهان ببرید ، چنانکه پیش از شما کوشیدند و بهره مند شدند و شما همه سخنان ناپکار آنان را در گرفتید چنانکه خودشان در گرفتند و رفتند و کارهای ایشان در هر دو جهان تباہ گشت ، و آنان زیان کارانند !

۷۰ - اَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَاُ الَّذِيْنَ مِّنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَعَادٍ وَثَمُوْدٍ وَقَوْمِ اِبْرٰهِيْمَ وَاَصْحَابِ

مَدْيَنَ وَاَلْمُؤْتَفِكَاتِ اَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَلَا كَانَ اللّٰهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَاَلْكٰفِرِ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ . آیا خبر کسانی که پیش از ایشان بودند به ایشان نیامد ؟ قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و گروه مدین و شاریستان لوط که پیمبران آنها پیغامهای روشن به آنها آوردند ، پس خداوند هرگز بیدادگری نمی کند و لکن آنان بر خود بیداد و ستم کردند !

### تفسیر ادبی و عرفانی

۶۰ - اِنَّمَا الصَّلٰةُ فَلَاحٌ لِّلْمُفْقَرِ وَاَلْمَسْكِيْنِ . آیه . ای کسی که هرگز روی دلت همراه درد فقر نبوده ،

و در همه عمر یک ساعت در خانه اندوه ننشسته ، گمان بری بی آنکه امروز شربت فقر چشی ، و جامه ریاضت پوشی ، فردا با فقیران صحابه پیغمبر و مردان راه فقر منزلتای بهشت بری ؟ گمانت خطاست و تدبیرت ناراست ، ایشان بر آن فقر خویش هزار بار عاشق تر از آن بودند که به خواجگی خویش !

یکی از صحابه روزی به حضرت مصطفی در آمد ، درویشی از اصحاب در آنجا حاضر بود ، مرد صحابه سخنی گفت که

بر درویش گران آمد و دلنگنگ ورنجور شد، آن مرد حاضر شد نیمی از مال خود را فدای رنج دل درویش کند! درویش  
نپذیرفت! حضرت پرسید چرا نپذیرفتی؟ گفت: ای پیغمبر خدا، گوهر فقر عزیزتر از آن است که به همه دنیا بتوان فروخت! ا  
صد هاسال آفتاب از خاور برآید و به باختر فرورود تا عارفی را به حکم عنایت ازلی دیده آن دهند که جمال فقر ببیند و عز فقر  
شناسد، و عز فقر که در دل طالبان پدید آید هر قدر درد پدید آید، هر آن دلی که بر درد تر و سوخته تر باشد، عز فقر در او  
بیشتر ماند!

مصطفی را دنیا عرضه داشتند گفت: مرا با دنیا چه کار! آخرت بر او عرضه داشتند، در آن ننگرید، فقر را  
پیش دیده و دل وی در آوردند خواست تا در ایشان نیز ننگرد! فرمان از مصدر جلالت آمد که: چشمه‌ها را از ایشان برنگردان  
و چشم از ایشان بر مدار و به دوام نظر ایشانرا گرامی دار، و بدان من خداوندم در دل ایشان می‌نگرم! آیا تو ننگری به او  
که من پیوسته بدو می‌نگرم؟

لطیفه: عارفان و خداشناسان، فقر را سه رتبت داده‌اند: حاجت، فقر، مسکنت. خداوند حاجت سر به دنیا  
فرود آرد تا دنیا سد فقر وی کند! و خداوند فقر دل به دنیا ندهد اما به عقی گرامی و بانعم بهشت بیاساید! و خداوند مسکنت  
جز خدا نخواهد، نه ناز خواهد و نه نعمت، بلکه راز ولی نعمت خواهد! |

مصطفی مسکنت خواست که گفت: خداوندا، مرا مسکین زنده بدار، و مسکین بمیران و از زمره مسکینان  
بشمارم! آرا و از فقر به خدا پناه بُرد که صاحب فقر هنوز از لذتها در وی بقیته مانده و به سبب آن بقیه، از دیدار مولی  
در حجاب است!

پیر طریقت گفت: اینجا سه مقام است: نخست برقی از آسمان فقر تافت تا تورا آگاه کرد، پس نسیمی دمید  
تا تورا از هوای مسکنت آشنا کرد، پس از آن دری گشاد تا تورا از معرفت دوست کرد و خلعتی پوشانید تا بستاخ (گستاخ)  
کرد. الهی آتش یافت با نور شناخت آمیختی، و از باغ وصال نسیم قرب انگیختی، باران فردانیت برگرد بشریت  
ریختی، و به آتش دوستی آب گل سوختی تا دیده عارف را دیدار خود آموختی!

در آخر آیت، صاحبان سهام را به این سبیل ختم کرد و او در زبان علماء کسی است که از مین دور و در ذل  
غربت و رنج سفر روز به سر آرد. ولی بر ذوق جوان مردان، این سبیل کسی است که از عادت‌ها و خواهش‌های هوای خویش  
بریاده گردد، و از خویش و پیوند و جمله مردمان بی‌ک بارگی دل برگیرد! و یا دلی پردرد و بیانی پر حسرت غریب وار کنجی  
گیرد! او بر نوای حیرت و حسرت پیوسته می‌گوید: باز خدا یا، همه به تن غریبند و من به دل و جان غریبم، همه در سفر غریبند  
و من در حضر غریبم! خدا یا، هر بیماری را از طبیب شفاست، و من از طبیب بیمارم، هر کس را از قسمت بهره‌ای است  
و من بی نصیبم، هر دل شده‌ای با یاری و غم گساری است و من بی یار و قریم!

همه شب مردمان در خواب و من بیدار چون باشم؟

غنوده هر کسی با یار و من بی یار چون باشم؟

۶۱- وَمِنْهُمْ أُولَئِكَ يُوذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ أَيْه. منافقان زبان عداوت دراز کردند خواستند  
که در شمایل و صفات مصطفی عیب جویند! آنچه عین کرم بود و نشانه فضل و جوانمردی، به طعن بیرون دادند و گفتند:  
محمد نیکو خوی است آنچه را گویند می‌شنود و گوش می‌دهد! مصطفی ایشان را به رمز پاسخ داد که: مؤمن عزیز و کرم  
است و فاسق فاجر ذلیل و لئیم است و خداوند فرمود: بگو (ای محمد) گوش دادن من به سود شما است!

## تفسیر لفظی

۷۱- وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ يَا مَرْوَنَ يَا الْمَعْرُوفَ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. مردان و زنان با ایمان یاران یکدیگرند، کارهای پسندیده را امر و کارهای ناپسند را نهی می‌کنند و نماز را بپای می‌دارند و زکات مال خود را می‌دهند و خدا و رسولش را فرمان‌بردارند، و ایشانند که بزودی مورد رحمت خداوندند و او است که توانا و راست دانا است.

۷۲- وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَهَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ لِرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ خداوند به مرد و زن مؤمن بهشت‌هایی وعده داده که نهرها از زیر درختان آن در بهشتهای پاینده و جاودان روان است، و خوشنودی خداوند از آنها از همه بزرگ‌تر است و این رستگاری و پیروزی بزرگوار است.

۷۳- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جِهَتُهُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ. ای پیغمبر، بکوش با کافران به شمشیر و با منافقان به زبان درشت باش و (بدان که) جای آنها دوزخ است که بد جایگاهی است.

۷۴- يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بِعَدْلِ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا بِكَ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِينَ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ. به خداوند سوگند یاد می‌کنند که آن کلمه کفر را نگفتند و در حالیکه کلمه کفر را گفته بودند و پس از مسلمان شدن کافر گشتند، و آهنگ چیزی کردند که به آن نرسیدند و کین و انتقام نخواستند مگر آنکه خدا و رسولش از فضل خویش آنانرا بی‌نیاز ساخته بود، پس اگر توبه کنند به سود آنان خواهد بود و اگر از توبه و پشیمانی برگردند و سر باز زنند، خداوند آنها را در هر دو جهان عذابی دردناک خواهد داد، و آنان در زمین یار و یاورى نخواهند داشت.

۷۵- وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَعْنٍ آتَيْنَاهُمِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ. از جمله آنها کسانی هستند که با خدا پیمان بسته‌اند (و گویند) که اگر فضل خداوند نصیبان شود ما به همه حال صدقه دهیم و در آن حال و کار از نیکان باشیم.

۷۶- فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ. پس چون خداوند از فضل خویش به آنها رسانید، از پیمان و عهد برگشتند و روگردان شدند.

۷۷- فَمَا عَتَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَقُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ. در پی عهد شکستن آنها، خداوند نفاق در دل‌های آنان پدید آورد تا روز رسیدگی به خلفاها، و به سبب دروغی که می‌گفتند.

۷۸- أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَسَىٰ أَنْ يَكْفُرَهُمْ. آیا ندانستند که خداوند راز و نجوای ایشانرا می‌داند ؟ او است دانای همه پنهانها.

### ❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

۷۱- وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ. آیه . پاک است و بزرگوار و مهربان، خداوند جهان و جهانیان، نوازنده دوستان، بار درویشان، پناه ضعیفان، یادگاری دلان. بنگر که مؤمنان را چگونه نوازش کرد و ایشانرا چه تشریف داد و از کرم و لطف خود چه نمود؟ ایشانرا همه فراهم داشت و دوستان و برادران یکدگر کرد، و آنگاه همه را به خود نزدیک ساخت. از اینکه این دنیا منزلی است از منزلهای راه و بندگان در این منزل مسافرنده که رو به درگاه او نهاده و مقصد ایشان کعبه صاحب جلال است، از این رو میان ایشان دوستی افکند و الفت و اتحاد نهاد، تا این منزل را به دوستی یکدگر به سر برند و به سعادت آخرت برسند.

کسی نزد یکی از صحابه آمد و گفت: من تو را از بهر خدا دوست دارم، گفت: پس بشارت باد تو را که من از رسول خدا شنیدم که فرمود: فردا در قیامت کرسیهای نور نزد عرش الاهی گذارند، گروهی ایمن باشند و ساکن و دیگر گروهان در بیم باشند! پرسیدند: ای رسول خدا آنها کیانند؟ فرمود: آنان که یکدگر را از بهر خدا در راه خدا دوست دارند، و در دین برادروار زندگانی کنند.

لطیفه: در خیر است که روز رستاخیز، مردمان در عرصات (صحرای محشر) ایستاده باشند، دلها پرفزع و جانها پر حسرت و آفتاب بر سرشان از نزدیک تابان! گرمای عظیم خلق را فرا گرفته، ناگاه از جانب عرش الاهی ندا آید که دوست داران از بهر خدا در راه خدا بجایند؟ تا من آنان را در سایه خود فرود آرم و در پناه خویش بدارم. پیر طریقت گفت: الاهی، عنایت تو کوه است و فضل تو دریا! کوه کی فرسود و دریا کی کاست؟ عنایت تو کی بجست و فضل تو کی و اخواست؟ پس شادی یکی است که دوست یکتا است.

۷۲- وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ. آیه. آن بهشت که خدای منان وعده داد نه یک بهشت است که بهشتها است، نه یک درجه است که درجهها است، بعضی برتر بعضی فروتر، از آن سبب که مؤمنان هم در ایمان و معرفت بر تفاوتند، و شک نیست که مقام معرفت اولیاء برتر از مقام معرفت عامه مؤمنان است و مقام شهیدان برتر از مقام اولیاء و مقام صدیقان برتر از مقام شهیدان و مقام پیغمبران برتر از مقام صدیقان و مقام پیغمبران مرسل (صاحب کتاب) برتر از دیگر پیغمبران و مقام پیغمبران صاحب عزم برتر از آنان است! مقام محمد مصطفی برتر از همگان، و نهایت درجه مؤمنان بدایت درجه اولیاء است، و درجه مصطفی را نهایت پیدا نیست و جز حق جل جلاله کس آنرا نداند.

با یزید بسطامی را پرسیدند: به چه چیز باین مقام رسیدی؟ گفت: به تنی برهنه و شکمی گرسنه و دلی پردرد و جانی پر حسرت! گفتند: روا باشد کسی بی آنکه پیروی از راه طریقت کند بدان مقام رسد؟ گفت: روا بود، اما فتوح وی باندازه سفر وی باشد و نواله او به قدر حوصله او!

از عارفی از درجه ایمان پرسیدند، گفت: آدمی بیاید چهل سال دوید تا حقیقت جمال ایمان بداند و راز این معنی آنست که پیغمبران را پیش از چهل سال وحی ممکن نشد، روندگان راه را چهل سال جان و دل در باید باخت تا به حقیقت ایمان رسند، چون به حقیقت ایمان رسیدند، ایشانرا امروز بهشت نقد و فردا جنات عدن باشد! امروز آنرا بهشت وصل و فردا بهشت فضل، امروز بهشت عرفان، فردا بهشت رضوان است.

۷۳- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ آيَةٌ. نآخرا این آیت قصه منافقان و کشف رسوائیهای آنها و سرانجام بد آنان است. و نشانه ایشان چنانکه مصطفی فرموده: سه چیز است: (۱) هرگاه سخن گویند دروغ گویند، چون وعده دهند خلاف کنند، چون امانت گیرند خیانت نمایند، چون این حدیث به بعضی صحابه رسید دلننگ شدند و گفتند: بنابراین هیچ آدمی نیست که از این سه خصیلت خالی باشد پس ما همه منافق هستیم!

چون این خبر به مصطفی رسید حضرت بلال را دستور داد تا مردم را در مسجد جمع کند، آنگاه خود بر منبر رفت و فرمود: منظور من از گفتار دروغ، این عده معین از فلان قبیله کفار و از وعده خلاف، آن عده از کسان که می دانید و از خیانت در امانت، آن کسان معین از کافران می باشند که در دین که بالاترین امانت است خیانت کردند و نام هر یک آنان را بر شمرند! آنگاه مؤمنان را بشارت به رستگاری داد و خدا را سپاس گزارده و اصحاب همگی خوشنود و خرسند شدند.

تفسیر لفظی

۷۹- الَّذِينَ يَأْمُرُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ کسانی که از بخشندگان مؤمن خوش منش عیب جوئی می کنند و آنها را در زکات و صدقه دادن طعنه می زنند و کسانی را که جز دست زنج خود بیشتر ندارند که به بخشند، عیب می گویند و خرده می گیرند و آنان را مسخره می کنند! خداوند هم ایشان را جزای آن سخریه (افسوس) داد و گفت که آنان راست عذاب در دناک.

۸۰- اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. ای محمد توجه آمرزش برای آنها بجوایی چه نخواهی، اگر هفتاد بار برای آنها آمرزش بجوایی، هرگز خداوند آنها را نخواهد آمرزید به سبب اینکه آنها بخدا و رسولش کافر شدند و خداوند گروه کافران و فاسقان را راهنمایی نمی کند!

۸۱- فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ. تخلف کنندگان از جنگ تبوک خوش حال شدند و دشوار داشتند که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد کنند و بیکدیگر گفتند در این گرمای به جنگ نروید! بگو به آنان (ای محمد)، آتش دوزخ گرم تر و سخت تر است اگر ایشان بفهمند و دریابند.

۸۲- فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جِزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. باید از شادی خویش اندکی خندند و فردا از پشیمانی خویش فراوان گریند، به ادایش آنچه می کردند؟

۸۳- فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ يَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُفَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ. اگر خداوند تورا بسوی طایفه ای از آنها (از تبوک) برگرداند که زنده ماندند و از تو دستوری برای پیرون آمدن (برای جنگ خیبر) خواستند، بگو با من هرگز به جنگ (خیبر) میانید و با من هرگز با جهودان دشمن من جنگ نکنید، شما از روز اول باز نشستن از جنگ را بر خود پسندیدید، پس با نشستهگان بنشینید.

(۱) بنابراین کمتر کسی از شمار منافقان پیرون است!

۸۴- وَلَا تَصِلْ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ. بر هیچ کس از آنها که بمیرد نماز مکن و هرگز بر گور هیچ کس از آنان باز مآیست، که ایشان بخدا و رسول وی کافر شدند و بمردند در حالیکه از طاعت بیرون بودند!

۸۵- وَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَ بِهِم بِمَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ. به شگفت نیاب و تورا مالها و فرزندان ایشان، همانا خداوند می خواهد (به شغل گرد کردن مال و نگه داشتن) آنانرا به آن سبب در این جهان عذاب کند و جانهای ایشان از تن بر آید در حالیکه کافر باشند!

۸۶- وَإِذَا أَنْزَلْنَا سُورَةَ آتَيْنَا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَّاكَ أُولُوا الطُّوَلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نِتَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ. چون سوره ای از آسمان نازل گردد که بخدای بگروید، و با رسولش در راه حق مجاهدت کنید و بادشمنان بجنگید، صاحبان نیرو و توانائی از تودستور باز نشستن خواهند و گویند بگذار ما را تا با نشستگان بنشینیم!

۸۷- رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ. راضی شدند که چون زنان در خانه بنشینند و مهر نفاق بردهای آنان نهاده شده پس ایشان نمی فهمند.

۸۸- لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. لکن پیغمبر و کسانی که به او گرویدند، با مال و جان خود با دشمنان خدا بجنگیدند و ایشان راست همه نیکها و ایشانند رستگاران جاوید.

۸۹- أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. خداوند برای آنها بهشتائی آماده ساخته که آب از زیر درختان آن جاری است و جاویدان در آنجا هستند، این است پیروزی بزرگ!

### تفسیر ادبی و عرفانی

۷۹- الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ آيَةٌ. یاران شریعت دیگرند و یاران حقیقت دیگر. راه خادمان شرع جدا، و راه خلوتیان قرب و مشاهدت جدا. اهل شریعت از دو دست درم مال، پنج درم صدقه (زکات) دادند و رضای حق در آن می جستند تا به ناز و نعیم بخلد رسیدند، اینان فرمان برداران و حق شرع گزاران و پسندیدگانند، لکن نه چون اهل خلوت و مشاهدت و نه چون خداوندان یافت و صحبت، که خلیل وار دست توکل از آستین رضا بیرون کردند و از اسباب و علائق دنیا سر باز زدند، هر چه از مال دنیا داشتند بذل کردند و در راه خدا، جان و دل در معرض بلا و محنت نهادند و در اظهار دین اسلام و اعلائی کلمه حق با دشمن بجنگیدند و نیز خود را در راه حق مقصر دیدند لاجرم هر ساعت از جناب جبروت و درگاه عزت به صفت رأفت و رحمت ایشانرا از نو تشریفی و تخصیصی می آمد. ... وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ آيَةٌ. آنان که آنچه در توان داشتند بعنوان صدقه بذل کردند چنانکه یکی از صحابه از هشت هزار درم دارائی، نیمی بذل کرد و نیم دیگر عیال و فرزندانرا گذاشت | نوشته اند همین آدم وقتی که مرد از برکت آن صدقه به قدری مال دار شده بود که دوزن داشت و سهم هشت یکم هر یک ۱۶ هزار درم شد! یک نفر دیگر از اصحاب پیغمبر تمام دارائی او که چهار هزار درم بود صدقه داد! حضرت از او پرسید برای زن و فرزند چه بگذاشتی؟ گفت خدا و رسول او! درویش پیری پیش آمد و گفت: ای رسول خدا، چندین شب آب کشیده ام برای فلان کشت زار، و دو صاع خرما مزد گرفته ام یک صاع آورده ام و یک صاع عیال و فرزندانرا بگذاشته ام!

... فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ يَخِرُّونَ مِنَ اللَّهِ يَخِرُّونَ مِنْهُمْ آیه . منافقان گفتند: توانگران از دارائی فراوان خود می بخندند که نام می جویند! اما این یک صاع درویش، خدای به آن چه نیاز دارد؟ جز آنکه می خواهد خود را بیاد خدا و رسول دارد. منافقان توانگران را به ریا منتهم کردند، و براندک درویش طعن و طنز و فسوس زدند (مسخره کردند) و آنان گرفتار عذاب دردناک شدند!

۸۰- اِسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ آیه . می گوید ای محمد، اگر آمرزش خواهی از بهر ایشان یا نخواهی همه یکسان است اگر هفتاد بار آمرزش خواهی ایشانرا نیامرزم.

لطیفه: گفته اند مقصود از کلمه (هفتاد) عدد معین نیست بلکه مقصود بسیاری است که در گفتگوها متداول است چنانکه مثلاً گویند: اگر صد بار هم بگوئی بی فایده است یا این جمله: هزار بار گفتم! در استغفار پیغمبر برای منافقان و اصرار به درگاه خداوند بعضی گفته اند که پیغمبر از نفاق آنان آگاه نبود از این رو دعا کرد و آمرزش خواست! بعضی دیگر گفته اند که چون جمعی از مؤمنان خویش و پیوند منافقان بودند از آن حضرت می خواستند که درباره آنها دعا کند و آمرزش خواهد، به امید اینکه با استغفار پیغمبر آگاه و منتبّه شده و از نفاق توبه کنند! و از عذاب و عقوبت برهند! این بود که خداوند مصطفی را از ایمان و مغفرت آنان نومید کرد.

۸۳- فَاِنْ رَجَعْتُمْ اِلَى الْاِطْلَافِ مِنْهُمْ آیه . متخلفین (از یک طایفه) فرمود، چون همه متخلف کنندگان منافق نبودند بلکه آنان سه گروه بودند که از جنگ نشستند و تخلف کردند. گروهی به دشمنی نشستند و شادی کردند، گروهی به معذرت نشستند و گریستند که توشه و اسباب جنگ نداشتند، گروهی بر غفلت نشستند که پشیمان شدند! در خبر چنین آمده که: روزی شبلی با جمعی از عارفان نشسته وقتی خوش و سماعی دلکش ایشانرا فراهم گشته و مشغول بودند، درویشی در آن حال به حرمت پیش آمد و در صنف نعال (پاین مجلس) نشست، کلاهی پشمینه بر سر نهاده و پلاسی سیاه پوشیده بود، چون از حقیقت حال وی کسی آگاهی نبود، شبلی پرسید: ای درویش این کلاه و پلاس را به چند خریدی؟ گفت: به دنیا و هر چه در دنیا است، سپس گفت: ای شبلی گستاخی مکن که خدای را بندگانی است که اگر اشارت کنند، ستون مسجد نقره سپید گردد! شبلی گوید در آن دم نگاه کردم، آن ستون را دیدم که رنگ نقره ای همی بخود گرفت!!

پیر طریقت گفت: الاهی، نه دیدار تورا بها است، و نه زهی را صحبت سزا است، و نه از مقصود ذره ای در جهان پیدا است! پس این درد و سوز در جهان چرا است؟ پیدا است که بلارا در جهان چند جا است این همه سهم است اگر روزی به این خار خرم ما است!

در خبر است که: خداوند پس از استغفار پیغمبر برای منافقان و پذیرفته نشدن آن فرمود: من مشرکان را نمی آمرزم لیکن آنجا که شرك نیست گناه کار را بیامرزم.

چنانکه فرمود: بندگان من، رهبران من، روز و شب شماها گناه کاری و جهل کاری است، و شایسته من که خداوند آمرزگاری و بردباری است! آمرزش خواهید تا بیامرزم، باز آئید تا بنهیرم، بخوانید تا بنیوشم، شما آن کردید که از شما آید و من آن کنم که از من آید، هیچ جا به گزاف نیامرزد مگر اینجا، باز آئید هیچ جا عذر را مانند اینجا نهد برند، پس عذر خود بگوئید، ما را از عیب پذیرفتن عار نیست و از آمرزیدن باک نه!

پیر طریقت گفت: بار خدایا، از کرم تو، همین چشم داریم و از لطف تو، همین گوش داریم، بیامر ما را که بس

آلوده ایم به کردار خویش، بس درمانده ایم به وقت خویش، بس مغروریم به پندار خویش، بس محبوسیم در سرای خویش، دستگیر ما را به فضل خویش، بازخوان ما را به کرم خویش، بازده ما را به احسان خویش.

تفسیر لفظی

۱۷۲  
رنگ

۹۰- وَجَاءَ الْمُعَذَّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. گروهی از عذر سازان (نزد محمد) آمدند تا آنانرا دستور نشستن از جنگ دهد، و آنان که به خدا و رسولش دروغ گفته بودند (که ما ایمان آورده ایم) از جنگ نشستند، آری به آنان که کافر شدند، عذاب دردناکی خواهد رسید!

۹۱- لَيْسَ عَلَيَّ الضُّعْفَاءُ وَلَا عَلَيَّ الْمَرْضَى وَلَا عَلَيَّ الَّذِينَ لَا يُجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. بر ناتوانان و پیران و زنان و کودکان و بیماران و کسانی که چیزی نمی یابند که به جنگ روند، حرجی و تنگی و سختی در باز نشستن نیست، هرگاه نیک خواه خدا و رسولش باشند که بر نیکوکاران عتابی نیست و خداوند آمرزگار و مهربان است.

۹۲- وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلُوا لَمْ يُحْمَلْ لَهُمْ قَوْلٌ لَأْ يَجِدُوا مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ. و نه بر کسانی که نزد تو آمدند تا ایشانرا دستور دهی، گفتی ستوری ندارم که شمارا دهم، آنها برگشتند و چشمهایشان اشک میریخت از اندوه که نداشتند چیزی که در آن راه خرج کنند!

۹۳- إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَستَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. عذاب و خشم بر کسانی است که از تو اذن نشستن از جنگ می خواهند در حالیکه توانا گردند و راضی شدند که با زنان در خانه ها نشینند و خداوند مهربان در دلهای ایشان نهاد تا روشنائی دانش در آن نمایان نشود.

جزو یازدهم

۹۴- يَعْتَدِرُونَ آلِيكُمْ إِذْ رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهَ مِنْ آخِبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. عذرهای آورند وقتی بسوی ایشان از توبه به مدینه باز گردید! بگو ای محمد عذر دهید که ما شمارا استوار نخواهیم دانست (و باور نداریم) خداوند ما را از خبرها و احوال شما آگاه ساخته و خدا و رسولش کارهای شمارا خواهند دید (که پس از آن چه می کنید) آنگاه شمارا (به درنگ) نزد خداوند دانای آشکار و نهان باز برند تا به شما آنچه می کردید خبر کنند!

۹۵- سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انقلبتم إِلَيْهِمْ لَتُعْزِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِيحْسٌ وَمَا وَهُمْ بِجَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. آنان بخدای سوگند خورند آنگاه که از توبه با ایشان برسد تا از ایشان روگردان شوید، پس ایشانرا فرا گذارید که اینان کز و بلیدند و جایگاهشان به پاداش آنچه می کردند دوزخ است!

۹۶- سَيَحْلِفُونَ لَكُمْ لَتُعْزِضُوا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرَضُوا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الظَّالِمِينَ. سوگند می خورند شما را تا از ایشان خشنود شوید، پس اگر خشنود شوید، بدانید که خداوند از گروهی که از طاعت و فرمان

پیرون شدند راضی نخواهد شد.